

نظور مساجد روستائی

در

اصفهان

نوشته ماکسیم سیرو

ترجمه : کرامت اله افسر

" ماکسیم سیرو " محقق و استاد ارزنده معماری که در سال ۱۳۵۵ شمسی در هفتاد و چند سالگی بدرود زندگی گفت، یکی از انگشت شمار دانشمندان نیست که در مدت اقامت خود در ایران تا آنجا که توانسته به شناسائی مساجد، راهها، کاروانسراها و سایر ابنیه‌های که از روزگاران پیش در کشور ما باقی مانده پرداخته است. سیرو که ضمن دهها خدمت خود در این زمینه استاد نخستین دوره دانشکده معماری تهران هم بوده است نتیجه تحقیقات خود را در اختیار انجمن فرانسوی باستانشناسی شرق در قاهره I. F. A. O. C. قرارداده که اکثر این تحقیقات تاکنون به چاپ رسیده و بعضی از آنها را سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران به زبان فارسی برگردانده و منتشر کرده است.

سیرو به کارهای معماری و هنرهای ساختمانی ایران دلبستگی زیادی داشته و در اکثر مجلات و نشریات معماری جهان آثار کوتاه و بلند او که در مورد بناهای باستانی ایران نوشته شده به چاپ رسیده است. این پژوهشگر عالیقدر بارها از اینکه آثار بزرگ هنری ایران رو به ویرانی است و یا سنگ و آجرشان کنده شده و در بناهای دیگر بکار رفته اظهار تاسف و تالم کرده و علاوه بر آنکه با دقت خاص، ویژه‌گیهای معماری هر بنا را شرح داده تا برای پژوهشگران بعدی راهگشا و مفتاحی سودمند باشد، همواره به سرنوشت غم انگیز آنها که در اثر سهل انگاری و یا دورافتادن از جاده‌های اصلی در حال نابودی هستند اشارات غم‌انگیزی می‌کند. بسیاری از بناهایی که ماکسیم سیرو در نوشته‌های خود نام می‌برد امروز دیگر وجود ندارد و دست تظاول و طبیعت و مردم ناآگاه آنها را نابود کرده است اما لاقلاً شنیدن این نام‌ها ممکن است علاقمندان را به اندیشه و تفکر وا دارد تا شاید از انهدام بقیه جلوگیری شود و برای بررسیهای علمی پژوهشگران سالهای آینده در نگاهداری آنچه که باقی مانده توجه بیشتری مبذول شود.

مقاله‌ای را که در این شماره می‌خوانید در حقیقت نیمی از یک کتاب کوچک این دانشمند گرانقدر می‌باشد و نیم دیگر آن را در شماره آینده به نظرتان خواهیم رساند.

نگاهی به
زندگی
سیرو

بعضی مناطق فلات وسیع ایران بهتر از جاهای دیگر برای تحقیق دربارهٔ ویرانه‌های قدیم آمادگی دارد. نمونهٔ بارز این نوع مناطق، درهٔ درازی است که رودخانه زاینده‌رود با پیچ و خمهایی از آن میگذرد همچنین سواحل این رودخانه نیز چنین وضعی دارد (۱).

درمنتهای شمال غرب این حوضهٔ رسوبی در قرن هفتم میلادی آثاری از شهر اصفهان وجود نداشته است. در آن روزگار بجای شهر، روستاهای نزدیک بهم مسکن‌زیبا و گاهی عمارات سلطنتی نیز بطور پراکنده در وسط مزارع و بوستانهایی که کناره‌های رودخانه را احاطه کرده بود قرار داشت (۲)

در حقیقت این محل که فراوانی آب و سلامت هوایش آنرا ممتاز ساخته از دیرباز محل تلاقی راه‌های مهم بوده است. در همین جا بود که پس از جنگ تاریخی نهاوند (۶۴۲ میلادی) آخرین شاه ساسانی یزدگرد سوم همراه درباریانش دوباره نیروهای خود را گردآوری کرد تا اینکه بدنبال نبردی خونین مسلمانان پیروز او را ناگزیر ساختند که در سال ۶۴۴ بسوی استخر عقب نشینی کند.

از محل اصفهان مهاجمان تاخت و تاز خود را در امتداد راه‌هایی که به دشتها و کویرها و کوه‌ها منتهی میشد دنبال کردند و همراه آنها آئین تازه اسلام نیز پیشروی میکرد. درین پیشروی مهاجمان به مردم ساکن روستاهایی برمیخوردند که وارث تمدن کهن بودند. در ابتدا مردم روستا به این مهاجمان جنگجو و مبارز توجهی نمیکردند و در برابر آنها بمقاومت‌های محلی می‌پرداختند. در نتیجه بی‌نظمی عمومی و از هم پاشیدگی بحدی وسعت یافت که بزودی و با سرعت در آمدن به مذهبی که نزدیک به آئین قدیم بود و نظم‌نویینی را بشارت میداد رواج یافت (۳).

بنابراین در طول جاده‌ها و در دهکده‌ها و منزل‌گاه‌هایی

که بین راهها بود اسلام مستقر گردید. از این اماکن تعدادی بجای مانده است اما بیشترین آنها بصورت ویرانه و تپه‌های بی‌شکل است. خوشبختانه در میان آنها گهگاه آثاری پر معنی و چند بنایی که بهتر بجای مانده کشف میگردد. اینها نادرترین و واپسین شواهدی است که از آثار بسیار نخستین قرون اولیه هجری محفوظ مانده است (۴). این آثار وسعت مساجد شهری را که محصول تغییرات عمیق و بازسازیهای کلی ادوار درخشان بعدی است ندارند بلکه بر عکس شایسته است که آنها را در همان وضع اولیه خود حفظ کنند و یا اگر دستخوش تغییراتی شده‌اند بهمان وضع باقی بمانند تا مراحل تغییر شکل آنها بالنتیجه تکاملشان بطرز روشنی در معرض دید پژوهندگان قرار گیرد.

در ارتباط با این وضع که تا قرن هشتم هجری (قرن چهاردهم میلادی) ادامه دارد، در ارائه این آثار ما از همان فرق و امتیازی که آندره گدار بین مساجد با سنت معماری ایران و مساجد باصطلاح عربی که زیر نظر حکام خلفای عباسی در ایران ساخته شده قائل گردیده و از آن پس جنبهٔ کلاسیک یافته‌اند پیروی خواهیم کرد (۵).

بدون تغییر و تبدیلی در این طبقه بندی لازم است آنرا با دو دستهٔ مهم و ناشناخته از نمونه‌های اصیل ایرانی تکمیل کنیم که چند توضیح مقدماتی مورد استفاده آنها را روشن خواهد ساخت:

هنگامی که مسلمانان بداخل ایران نفوذ کردند هیچ نوع فرمول معماری که زائیده نبوغ آنها یا منطبق با مذهب آنان باشد درین سرزمین بکار نبردند. برحسب این پدیده اماکن عمومی بسیار که ویژه اجرای مراسم آئین ملی بود مستقیماً "توسط نو مسلمانان ایران مجدداً" مورد استفاده یا تقلید قرار گرفت. اینان در احداث بناهای تازه طرح چهار طاق را که عنصر اساسی بیشتر معابد زردشتی بود به مقیاسی

کوچکتر بر دیگر طرحها ترجیح دادند . این انتخاب بارز باعث نشد که از بناهای دیگر با ابعاد کمتر که اکنون بسیار رایج و دارای مورد استعمال زیادی است مانند چهارطاقی که ایوان یا ایوانهای ساده و رواقهایی مقدم بر آنست صرف نظر کنند .

معدلک از آغاز اسلام هر زمان که ضرورت ایجاب میکرد مومنان می توانستند هنگام نماز جماعت در درون بناهای وسیع ملی خود دور هم جمع شوند . در ایران آب و هوا بسیار متنوع است . علاوه بر بخشهای بزرگ جغرافیایی در نواحی کوچکتر نیز وضع اقلیمی خاصی وجود دارد . در نواحی معتدل مثلا " در استان اصفهان بفاصله کمی محلهای بسیار گرم با بادهای خاک آور مزاحم یا دره های خنک قرار دارد . بعلاوه در هر یک از این امکانها اختلاف درجه حرارت در مدت شبانه روز فوق العاده زیاد است . بر روی فلاتی که باران بندرت می بارد هیچ چیز مانع ادای نماز در هوای آزاد در برابر محرابی که بنا بی کوچک آنرا حفظ می کند نیست (۶) . اما این سهولت استعمال هنگام نیمروز و موقع سرمای شدید به زحمت انجام میشود . بالنتیجه تالارهای بسته نسبت به وسیع برای یک اجتماع روستائی محققا " در جاهای بسیاری به فضاهای سرباز افزوده شده یا بر آنها ترجیح یافته است . برای چنین گزینش طبیعی لازم نبود منتظر ظهور خلفای بغداد نشست تا آنها برواج آن نوع مساجد باصطلاح عربیشان بپردازند که دارای رواقهای متعدد بود (۷) . از قرنهای پیش در ایران تالارهای بسته که بطرق گوناگون ایجاد شده بود بکار گرفته میشد . بناهای غیر مذهبی ساسانی خواه ساخته شده از مصالح خوب (سنگ ناتراش و آجر) و خواه از خشت خام ، فوق العاده زیاد بود . در میان قسمتهای ناچیزی که تا زمان ما باقی مانده باستثنای چند کاخ ، چیزی بجز معدودی مسکن اعیانی و غیره که دارای اهمیت ویژه ای هستند بچشم نمیخورد (۸) .

معدلک با شناخت ذوق سنتی ایرانیان در مورد مسکن میتوان تصور کرد که این نوع ابنیه با انواع شناخته شده فرقی نداشته اند : یعنی خانه های وسیعی بوده اند که بدور حیاطهایی مزین به دو یا چهار ایوان ساخته شده بوده اند . چند حفاری که در بعضی اماکن متروک مربوط به اوائل اسلام انجام گرفته بدون شک تداوم این سبکهای ساختمانی را و اثری که آنها در ایجاد و شکل گیری مساجد یا مدارس کوچک داشته اند نشان میدهد .

● طبقه بندی مساجد اولیه

آندره گدار پس از تحقیقاتی که سالهای متعددی انجام داد مساجد قدیمی را بحق به دو خانواده ایرانی و عربی تقسیم کرد (۹) .

خانواده ایرانی بعقیده ما از سه دسته الگوهای اصلی مربوط به پیش از اسلام ناشی میشود که آنها را بطور دلخواه تحت عنوانها A و B و C تقسیم می کنیم .

دسته A شامل بناهای جسیم بسیار ساده حتی آنهایی که گدار پیش کشیده است میشود : آنها عبارتند از (پ ویر ۱) چهار طاق ، کلاه فرنگی که گنبد آن روی چهار قوس قرار گرفته است . این نوع بنا که از قدیم مورد استعمالهای متعدده داشته و هنوز هم چنین است بویژه در آئین زردشتی مورد عنایت ویژه بوده است زیرا توده آتشی را که در پناه خود نگه میداشت از جهات بیشتری نمایان بود (۱۰) .

۲ (a) (که افزوده ماست) چهار طاقی که از اطراف با رواق کوچکی احاطه شده است .

b) چهار طاقی که ایوانی در جلو آن قرار گرفته است (۱۱)

c) ایوان ساده (۱۲)

d) رواق دالان مانندی که وسط آنرا گنبدی پوشانده (۱۳)

دسته B که ما بر آن می افزاییم (تصویر ۲) بناهای زیر را دربر میگیرد :

e) تالارهای ستون داری که ستونهای آنها از چوب یا مصالح

دیگر ساخته شده با سقفهای مسطح پوشیده گردیده اند، محققا " پیش از شاهنشاهی هخامنشی عماراتی از این قبیل وجود داشته است . در تخت جمشید نمونه های بزرگ و کوچک این نوع وجود دارد .

f) تالارهایی که از دالانهای چسبیده بهم و پوشیده با طاقهای آهنگ تشکیل یافته و دیوارهای پایه های طاق ها مشترک بوده و دهانه های نزدیک بهم این دیوارها را بریده است (۱۴) .

g) تالارهایی که با گنبد های کوچک زیادی که بر روی جرزهای مستحکمی متکی هستند پوشیده شده است .

دسته C (تصویر ۳) از مساکنی تشکیل شده که دارای حیاطی مرکزی است مزین به دو ایوان (فیروز آباد) یا چهار ایوان (نسا و آشور و بیشاپور و طیسفون و سروستان) (۱۵) .

آثار و بناهای سبک عربی دارای ریشه های قدیم تری است که بحث درباره آنها خارج از موضوع این تحقیق و بررسی میباشد . امکان مقدسه و معابد متعلق به دوره هلنیکی (۱۶) و بناهای عمومی رومی را که در سرزمینهای اطراف دریای مدیترانه قرار گرفته میتوان نزدیکترین اجداد آنها بشمار آورد .

در ایران چند اثر کمیاب از این نوع ابنیه وجود دارد که مشخصات آنها یک حیاط مرکزی است که به رواقهای یکنواخت و مشابه متعددی محدود میگردد (۱۷) . این آثار که تصویر ۴ نمونه هایی از آنها را نشان میدهد از مصالح محلی ساخته شده است .

پس بجا خواهد بود که خصیصه مسجد عربی را که در چند مسجد ایرانی باقی مانده از زمان عباسی جلوه گر شده است ، با بناهای ایرانی دسته B در هم نیامیزیم تنها بخاطر اینکه شبستانهای متعلق به این دسته (که بطور کلی دارای ریشه پیش از اسلام است) از بامهای مسطح یا

طاق دار آنطوریکه در مساجد عربی یافت میشود پوشیده شده است . نباید تصور نمود که مساجد کوچک ایرانی که شامل یک شبستان ستوندار یا دارای یک شبستان بسته از این نوع میباشد منحصر " متأثر از سبک عربی هستند .

البته در مورد این بناهای محدود که غالباً " یک حیاط دارد تمیز بین اصل عربی از اصل ایرانی دشوار خواهد بود .

در حقیقت در دوران اسلام مومنین که مانند دوران آئین زردشت معبدی نزدیک در اختیار نداشتند با شتاب در جستجوی یک حیاط محفوظ برآمدند . چون در ایران پیش از طلوع اسلام چنین محوطه محفوظی که برای جمعیت مساعد و از آلودگی حیوانات و کفار در امان بود قبلاً " وجود داشت بزودی محل برگزاری نماز از خصوصیات دائمی آنها گردید همین امر موجب اشتباهی که قبلاً " بیان شد گردیده است .

در میان مساجد اولیه ناحیه اصفهان چند بنای دایر را می یابیم که در وضع بسیار خالص خود مسطوره هایی از بناهای ایرانی دسته A می باشند . دو نمونه مختلط از همین دسته نیز وجود دارد . محققا " چنانچه شرایط محلی اقتضا میکرد بایکی از نمونه های دسته B در هم می آمیخت این چنین نمونه ها بصورت منفرد وجود داشت که در زمان ما در تحت همین شکل بحیات خود ادامه می دهند .

چند بنا از نوع C دوام نفوذ مسکن سنتی را نشان میدهند . با وجود این بناهای دیگری که همچنان روحیه ایرانی خود را حفظ کرده اند تاثیراتی از نفوذ عربی را منعکس میکنند .

بالاخره چند مسجد قدیمی که استاد بنایان محلی آنها را ساخته اند بطرز آشکاری از مساجد بزرگ شهری عرب الهام یافته اند .

● مساجد از نوع A, a

نمونه بسیار بارز این دسته در مرز استان اصفهان در

بزدخواست قرار گرفته است . در اینجا در سال ۱۹۳۸ در یک مسجد کوچک یک چهار طاقی ساسانی شناسایی شد . بنابراین این مسجد احتمالاً " قدیمترین بنای اسلامی شناخته شده بر روی فلات در کشور ایران میباشد (تصویر ۵) (لوحه ۱) از روی موقعیت این بنا که بر روی پرتگاه صخره مانندی در کناره جاده اصلی قرار گرفته و از دور نمایان است منطقاً " میتوان استنباط نمود که این معبد کوچک از همان آغاز فتح ایران بعنوان محل عبادت برای آئین جدید برگزیده شده است (۱۸) . در نقشه ماکه از اجرای آن اکنون سی و پنج سال میگذرد (خیلی پیش از سقوط صخره که نیمی از بنا را با خود برد) بطور وضوح قسمت پیش از اسلام بنا با خط درشت از ملحقات بعدی مشخص گردیده است .

دوره اول ته چهار طاقی با حجاب ضخیمی از خشت خام که در آن محرابی تعبیه شده مسدود گردیده است . دودخانه طاقهای جانبی نیز با دیوارهایی که ضخامت آنها کمتر است بالا آورده شده و در جدار یکی از این دیوارها در قسمت شمال شرقی بعدها دری برای ارتباط با یک حیاط احداث گردیده . منتها الیه این حیاط (که در همان راستای چهار طاق است) بوسیله ملحقاتی از زمانهای متاخر اشغال شد .

دومین تغییر شکل در این بنا که بدون شک پس از اسلامی کردن معبد صورت گرفت الحاق دهلیز مانندی است که بر روی صفه شمال شرقی احداث و توسط یک طاق مرکزی از آن جدا گردید و دو در جانبی در طرفین آن بوجود آمده بام این تالار با سقف مسطح پوشیده بود .

سومین تغییر شکل شامل بنائی است در جلو ساختمان الحاقی و آن شبستانی است که یک چشمه مرکزی دارد و با قبه های نسبتاً " مسطح پوشیده شده است . در دو سوی این چشمه مرکزی دو دهلیز جانبی قرار گرفته است . ورودی از

پهلوی در زیر یک سر پوشیده ساخته شده . این الحاقی که تاریخ آنرا میتوان در حدود قرنهای ۱۴ و ۱۵ میلادی قرار داد شاهد استقرار مجدد گنبدی بوده است که از گنبد کم خیز چهار طاقی بمراتب بلندتر بوده است .

سرانجام چهارمین دوره تحول این بنا در قرن هیجدهم میلادی پس از ویرانی پوشش فوقانی گنبد زینتی و چشمه شبستان و جبهه تازه ای به بنا می دهد : چشمه شبستان بصورت حیاط در می آید و در سمت چپ آن یک شبستان پوشیده با شش قبه کوچک (شبیه به دسته B, g) تا لبه پرتگاه ادامه می یابد .

دهکده قدیمی کوهپایه (یا کوپا) (۱۹) در میان آثار دیگر بقایای یک دژ ساسانی و بویژه یک مسجد جمعه نسبتاً " وسیع را حفظ کرده است (تصویرهای ۶-۷-۸) . این بنا در نظر اول پیچیده می نماید و در واقع از ملحقات پی در پی ای که اثر اولی را بزرگ ساخته تشکیل یافته است .

معدالک این نشو و نما بطریقی جریان یافته است که تحلیل دقیق ساختمانها ، بدون فرضیات خطرناک تمام تاریخ بنا را آشکار میسازد .

بر روی یک صفه که از تمام قسمتهای اطراف مجزا است یک چهار طاقی بنا گردیده بود که از لحاظ ابعاد شبیه چهار طاقی بزدخواست بوده است . این بنا (ابعاد داخلی ۶×۶ متر) محققاً " متعلق بدوره ساسانی و براساس همان گروه ساخته شده بوده است . دهانه طاق جنوبی برای احداث محراب مسدود گردیده (۲۰) در این شهر که دارای آب و هوای کویری است مومنین بر روی قسمت شمالی صفه که خالی مانده بود به اقامه نماز می پرداختند . بعدها هنگامیکه مساجد با نقشه عربی در کشور ساخته شد این طرح مورد اقتباس قرار گرفته با روشهای محلی زمخت یک حیاط منظم که با رواقهای مضاعف احاطه شده بود بوجود آمد . این ساختمان که با

سبک خارجی اجرا میشد خود کف بود لیکن در اینجا از نظر تقدس و احترام به بنای قدیمی قسمت اصلی معبد را باقی گذاشتند .

این امر مسئله‌ای را پیش آورد که با ظرافت کافی حل گردید . در حالیکه نخستین دهلیز اطراف حیاط از یک سلسله تالارهای سرپوشیده با طاقهای زمخت پوشیده شده (تعداد پنج طاق در وضع خوبی بجای مانده است) (صورت ۶) دهلیز دوم با طاق آهنگ ممتدی (که نمای نیمرخ آن تقریباً " بشکل کلیل است) مستور گشته که نقطه خیز طاق آن بسیار بلند است .

چنین عملی اجازه داده است که بالاتر از قوس چهار طاق که در مقابل محراب واقع شده بگذرند و نیز همین امر این آزادی عمل را فراهم ساخته که دهلیز دیگری بر امتداد محور محراب ایجاد گردد . محل تقاطع این دهلیزها را با گنبد کوچکی پوشانیده‌اند (لوحه ۲ ، ۵) .

این بنا در وضع ابتدائیش در قرن دوم هجری (قرن هشتم میلادی) در حقیقت از دو مسجد تشکیل یافته بود یکی مسجد اولیه از بکار گرفتن چهار طاق (دسته A ، B) که با مسجد دیگری که دارای ترکیب عربی بود پیوسته بود . این مسجد اخیر جهت اتصال از عنصر ساسانی (دسته A ، B) که همان دهلیز یا گنبد مرکزی باشد استعانت جست .

مشخص ساختن منتهی‌الیه حیاط در سمت شمال از برکت وجود یک بر زمین کهن صلیب شکل (۲۱) و همچنین بقایای مهم پایه و قوسها امکان یافت . اکنون با قاطعیت کامل میتوان دانست که نمای شمالی مانند نمای جنوبی (صورت ۷) شامل سه دهانه طاق بوده که طاق مرکزی احتمالاً " بزرگتر و مشرفتر بوده و دهانه یک دهلیز پوشیده با طاق آهنگ را تشکیل میداده است (بنا بر این یک ایوان وجود داشته‌است) . علاوه بر این ، این حیاط مستطیل شکل در هر یک از

اضلاع طولیتر خود پنج چشمه طاق داشته است . چون در داخل جسم ساختمان شرقی چهار قوس مضاعف اصلی وجود دارد (در " V " تصویر ۶) که متکی بر پایه‌هایی است که دهلیز اولی را از دهلیز دومی جدا می‌سازد و نیز چون کوچکترین نشانه کندن یا باقی مانده قوسی شبیه آنچه بر روی پنجمین تویزه قرار دارد یافت نشده است تقریباً " مسلم است که بر روی این محور در اطراف حیاط دو دهلیز ایوان مانند شبیه آنچه در بخش جنوبی محفوظ بجای مانده وجود داشته است .

بنابراین ترتیب چهار ایوانی این حیاط که تا حد زیادی ترتیب همان تالار زیر زمینی را تکرار کرده است از مجموع این بنا در قرن دوم هجری (قرن هشتم میلادی) یک نمونه مسجد چهار ایوانی را بوجود آورده که خیلی مقدمتر از مسجد چهار ایوانی زواره میباشد . این امر چندان تعجب‌آمیز نخواهد بود اگر تصور شود که کاروانسرای چاه سیاه قدیم (۲۲) که همچنان به سبک چهار ایوانی است در همان عصر ساخته شده و آنطور که بعداً " خواهیم دید مساکنی دیگر با احتمال زیاد از همین اصل پیروی کرده‌اند همچنین ملاحظه خواهد شد که مسجد در این برهه از تاریخ خود در اطراف مقصوره شامل دو حیاط خلوت کوچک میشود که مختصر روشنائی به دهلیز مجاور میدهد . در این عصر مسجد کاملاً " محصور شده بود و از آن بعد در حدود آن تغییری حاصل نگردیده است سپس در دوره " حکومت سلجوقیان یک مناره و دو حیاط خلوت بآن افزوده شده است . بعداً " نیز در زمان مغول با احداث ایوانی در منتهی‌الیه شمالی حیاط که در درون ساختمانهای قدیمی جای گرفت تغییرات و خرابیهایی بار آمده بهمین مناسبت نماهای جدیدی روزی شد (لوحه ۲۳) و در سمت جنوب توسعه‌هایی بوجود آمد و برگنبد ک خیز چهار طاق گنبدی دیگر سوار گردید (لوحه ۲۴)

● قهپی

در همان ناحیه در ۱۱ کیلومتری مغرب کوهپایه قرار گرفته و مطابق روایت محلی کهن ترین محل تجمع این منطقه می باشد (۲۳). راستی هنگام طی کردن این پهنه وسیع که مرکز شترداری بوده و با ظهور انقلابی که در وساطت نقلیه بوجود آمده بسختی آسیب دیده است، در کوجهای متروک این آبادی دوباره بکار گرفتن طرز ساخت و مصالح بسیار کهن بکرات مشاهده می گردد. این محل که کاملاً "جهانگردان از آن غافل مانده اند بناهای فراوانی را شامل میشود که یادگاری از پیشه قدیمی کاروان داری می باشد. در میان اشباح این ابنیه چندین ساختمان کوچک مذهبی اما بسیار جالب خودنمایی میکند. جالبترین این آثار بر فراز صفه‌ای مشرف بر یکی از محلات مسجد جمعه می باشد (صورت ۹).

اثر ابتدائی یک چهار طاقی بوده که از چهار طرف باز و بالنتیجه خوب نمایان بوده است. بر روی همان سکو چاهی حفر کرده بودند که اکنون در حیاط مسجد قرار دارد. در سمت غرب بفاصله کمی پشت‌های چهار گوش واقع شده است. این پشته که دهقانان داستان گذشته آنرا فراموش کرده اند بنظر میرسد که یکی از الحاقات چهار طاق بوده است. چهار طاق که ابعاد داخلی آن تقریباً "۵/۵×۵/۵ متر است شامل دیوارهای بسیار ستبری است که بواسطه ترمیم‌های ابتدائی گنبدی خاکی (Cyclope) بر فراز آن افراشته شده است (لوحه ۳). روش و سبک ساسانی بنا را منظره قوسها که بر اثر اندوهای متوالی بصورت جناغی (Cervical) در آمده اند تکذیب نمی کنند. جایگاه برافراشته بنا، چاه آب و آوارهای فرو ریخته مجاور هدف اولیه بنا را بعنوان جایگاه مراسم آئین زردشتی صحه میگذارد (۲۴). تغییر شکل و تبدیل این بنا به مسجد مراحل ذیل را طی کرده است: نخست دهانه طاق جنوبی را مسدود و در دیوار آن محرابی احداث کرده بودند. دو دهانه جانبی و دهانه طاق شمالی همچنان آزاد رها شده بود. بعداً "صفه شمالی

تبدیل به حیاطی شد که از سوی مشرق و مغرب به دو راهرو محدود میشود که با کنو بندی بسته شده و بیکدیگر ارتباط داشت. در سال ۱۹۶۳ کارهای اندودی دیوارهای ته بنا را کاملاً "پاک کرده اجازه داد که آویختگی (Accrochement) دیوارهای نگاهدارنده طاقها و گرده و نیرنگ طاقها آشکار گردد. در همان زمان که راهروهای جانبی ساخته میشد یک راهرو سومی نیز در مقابل طاق شمالی احداث شد. در عصر صفویه این قسمت محوری بخاطر یک ایوان وسیعتری دستکاری گردید، لذا ما اکنون نمی دانیم محل عبور اولیه چگونه بوده است. معذالک ترتیب آن نباید با ترتیبی که در مسجد جمعه کوهپایه دیدیم اختلاف داشته باشد فرضاً بصورت یک راهرو (C و A) با گنبد مرکزی کوچک بوده است.

همچنین در عهد صفویه دو حیاط کوچک (S در صورت ۹) با دو گنبد محافظ پوشیده شد و این دو گنبد نیز با دو پوشش سبک که طبق سلیقه روز فقط جنبه تزئینی داشت مقرر گردید. در دو نمای جانبی نیز تغییر شکل صورت گرفت ولی در تقسیم بندی آنها دگرگونی حاصل نشد. قسمت شمالی حیاط بصورت صفه‌ای درآمد که آنجا منظره دهکده و ماورای آن گسترش یافت. این محوطه محدود (صورت ۹) یک شبستان زیرزمینی را می پوشاند که طاقهای صفوی آن (در بازسازی ۱۹۶۳) بر روی پایه‌های قدیمی قرار دارد. از اینکه سابق بر این در قرن هفدهم میلادی یک شبستانی در اینجا بوده است شکی نیست لیکن کمتر احتمال داشته که روی آن طبقه‌ای بوده یعنی یک طبقه که هم کف حیاط باشد. در ورای دیوارهای شرقی و غربی این زیرزمینی هیچ نشانه‌ای از مصالح و طرز ساختمان باقی نمانده که اجازه دهد تصور کنیم که یک ساختمان فوقانی مربوط به دهلیزهای کنوسازی شده (Alveolaire) وجود داشته است. بیشتر ما فکر می‌کنیم که شبستان در مقابل دیوار پشتبند صفه اولیه که شاید در جای یک پلکان وسیع مربوط بان ساخته شده بود.

پس در تحول خود مسجد جامع قهپی مراحل زیررطی کرده است: الف) یک چهار طاق اولیه (احتمالا " معبدی زردشتی)، ب) تبدیل این چهارطاق به مسجد بالحق ساده یک محراب، ج) شکل یافتن یک حیاط ملهم از مساجد عربی در قرون دوم و سوم هجری که طبق وسائل سنتی تحقق یافته: دهلیز یا گنبد و دهلیزهائی با دیوارهای کنوبندی. در همان زمان الحاق یک مسجد زیرزمینی (دسته Bf)

د) کارهای تزئینی در قرن یازدهم هجری (قرن هفتم میلادی): ایوان بزرگ بر روی حیاط و دو شبستان الحاقی از پوشاندن حیاط خلوت‌های جانبین مقصوره (گنبد خانه) که همانند آنچه که در مسجد جامع کوهپایه انجام گرفت.

در آبادی قهپی علاوه بر این بنای عالی که از ترکیب چندین عنصر کهن ($A, a+c+B, F$) احداث گشته در میان ویرانه‌های گوناگونش (باره، برج، حصارهای کاروانی) حاوی چندین مسجد قدیمی دیگر است (نوع B) که باندازه کافی محفوظ مانده و همچنین بنای شگرف اما مزاده شاه عبدالواحد. این بنای کوچک که بقایای جسد این قدیس را که میگویند برادر امام رضا است در پناه خود گرفته در وضع خوبی در غرب آبادی کاملاً نزدیک مظهر قناتی واقع شده است.

این بنا نیز چهارطاقی است کاملاً به سبک و روش ساسانی: جرزهای عظیم که تشکیل طاقهائی که بطور نامحسوسی جناغی است داده، گنبد خاگی (تخم مرغی) که بر روی سکنجهای منحرف (Gau che Pendentif) تکیه دارد. طاقنماها پس از فتح ایران با دیوارهای نازکی بسته شده است و ورودی این محل که به وسعت ۵×۵ متر است در سمت شمال توسط حیاط کوچکی انجام میگیرد که در آن که بطرف خارج باز میشود و در برابر جوی آب قرار گرفته است. چند قسمت الحاقی تقریباً " ویرانه از این محوطه نور میگیرد معذالک یک گوشه تاریک مستقیماً به روی مقبره^۶ باز میشود. این ملحقات همانند تزئین نیم محو

سردر و مرقد (صندوقه قبرینای آجره است با بعد ۲×۹۰/۱۵×۱ متر که با محجری از چوب مشبک حفظ شده و یک پارچه سیاه آنرا پوشانده است) از قرن ۱۱ هجری (قرن ۱۷ میلادی) میباشد. در این دوره که نسبت به ائمه احترام و اشتیاق فراوانی ابراز میشد، نوسازی و تزئین امکنه مقدسه بدبختانه کارهائی را که در اوائل حال در این چهارطاقی اجرا شده و قسمتهائی که بآن الحاق گردیده بود ناپدید ساخته است (۲۵).

گفتن اینکه این چهارطاقی بعنوان یک مسجد مورد استفاده قرار گرفت احتمالاً "خطا است. پیش کشیدن این مطلب که این بنا قبلاً "معبد زردشتی محل بوده قابل قبول است (وجود آب در محل). فرض اینکه تاریخ این بنا به حدود پذیرش اسلام در ایران کمی قبل یا بعد از آن میرسد کمتر با شکل روبرو میشود. در قصد معین کردن تاریخ اولیه و تاثیرات بعدی که در این بنا حاصل شده باید به بعضی مسائل احتیاطی توجه کرد. چهارطاقها در گذشته و حال دارای ارزشهای گوناگون بوده و هستند (۲۶) اما چون تقدیس ائمه بلافاصله پس از پذیرش اسلام عمومیت نیافته بنابراین این امکان وجود دارد که این امر در انجام مدت مدیدی پس از اسلام آوردن این دهکده که مرکز یکی از آخرین معابد محلی زردشتی بود اتفاق افتاده باشد.

لحظه‌ای این روستای محقر را کنار نهاده پس از عبور از لبه دریاچه خشکیده ۱۲ کیلومتر بسوی شرق به شهر کوچک پر جوش و خروش آخذ می‌رسیم (۲۷).

از چند دهه پیش این قریه بوسیله حصاری که هنوز ضروری بنظر میرسد مورد حفاظت قرار گرفت چه حصار مذکور در مقابل گردبادهائی که گردو خاک با خود می‌آورد بسیار سودمند است. آخذ با همان وضع قرون وسطائی خود باقی مانده است.

برای رسیدن به مسجد جمعه که در سوی شرق و در خارج از دیوار دهکده در میان ویرانه‌های فقیرانه‌ای که بقایای مساکن اولیه است باید از بازارهای کوچکی گذشت و کوچه‌های پیچ‌پیچی

را دنبال کرد . در طی این مسافت آب انبارهای بزرگی که از بادگیرهای بلندشان مشخص میشوند و دومی مسجدی که دوباره از آن سخن خواهیم گفت مشاهده میگردد .

با دیدن این مسجد جمعه معلوم میگردد آنچه در مساجد جمعه قهی و کوهپایه در دو مرحله انجام یافته در اینجا در یک مرحله صورت پذیرفته است: یعنی اختلاط یک چهار طاق و یک مسجد کوچک عربی. بالنتیجه این اثر باستانی آن چنان تغییرات آشکاری را متحمل شده که در بررسی و مطالعه آن هیچ مزاحمتی فراهم نمیشود .

در وضع فعلی این بنا از یک حیاط مربع تقریباً " بابعاد ۱۰×۱۰ متر تشکیل یافته که محدود به دو دهلیز است که دیوارهای آن کنوسازی شده است. در منتهی الیه جنوبی این حیاط ایوانی احداث گشته که با مقصوره مرتبط میباشد .

در اطراف این مقصوره دو شبستان قرار دارد که با گنبد پوشیده شده است. تنها ورودی بنا در نمای شمالی قرار دارد که در پس کوچه‌ای باز میشود که سابقاً " با سه طاق پوشیده بوده است. در ورای این ورودی یا ایوان کوچکی برمیخوریم که از آن یک پلکان راست و سربالا به پشت بام می‌پیوندد . یک پلکان دیگر هم به یک شبستان دراز زیرزمینی منتهی میشود (شکل ۱۰)

هنگام بازدیدها در اوت ۱۹۶۳ تعمیرگران در حال بازسازی طاقها و اندود آن بودند و همین امر برای مشاهدات مابشرخ زیر فوق العاده مساعد بود :

مقصوره یا گنبد خانه - یک چهار طاق (ابعاد داخله آن ۴×۴ متر) مطابق سبک متداول بنا گردید . قوسها کاملاً آزاد است لکن جرزه‌های شمالی که از جرزه‌های جنوبی کم ضخامت تر است با دهلیزهای اطراف حیاط مشترک میباشند . طاقنمای جنوبی با دیوار ضخیمی مسدود شد و در زمان صفویه بازسازی گردید .

دهلیز واقع در شمال مقصوره بر روی محور عرضیش توسط

یک ایوانی دوباره بریده شده است . در قطعه دهلیز واقع در سمت راست این ایوان تهرنگ طاق آهنگ اولیه با کنده کاریهای روی دیوار جانبی عقب در سمت شمال مشهود است . بخش غربی دهلیز محققاً " بهمین طریق با طاقهایی مسقف بوده است . دهلیزی که بر روی بقایای شرقی و غربیش قرار داشته مانند مقصوره بر روی دو حیاط کوچک باز میشده است . دهلیزهای جانبی شرقی و غربی حیاط بزرگ در وضع اصلی خود هستند : آنها هر یک دارای سه کنوسازی است پوشیده با طاقهای آهنگ که بطور نامحسوسی جناغی است در زیر این طاقها دهانه نسبتاً " کوتاه ارتباطی است. این پوششها تقریباً " بدون دستکاری باقی مانده لکن در دو دهلیز غربی پوششها به سبک مغول با بیرون آوردن مصالح کادرهای گودی در آنها در آورده اند. نما سازی در طرف ورودی کاملاً " شبیه نما سازی سمت جنوب است : پوشش این قسمت تماماً " فروریخته اما در جزز ایوان تا ارتفاع ۲۰ سانتیمتر بجای مانده است . قسمت اسکلت بندی همانند دهلیز جنوبی است . طاقهای آهنگ تخم مرغی (که منتهی الیه آنها باقی مانده) توسط ایوانی مجدداً " بریده شده است .

در خارج بنا پس کوچه با سه تویزه و طاق خشتی نه آجری مانند آنچه در مسجد صورت گرفته پوشیده است . جرزه‌های حامل قوسهای تویزه در داخل دیوار مشترک قابل رویت است و در جانب دیگر پایه‌های انکائی در سه توده برجسته قابل شناسائی است .

در انتهای این معبر سر پوشیده و در طرف چپ یک توده انباشته بقایای بنا نمایان است که باعتقاد ما پایه مناره ایست که راه رسیدن بآن از طریق پله سراسیمی انجام میگرفته که از روی بام مسجد و معبر میسر میشده است .

نخستین منارهء ناحیه اصفهان در قرن پنجم هجری (قرن یازدهم میلادی) ظاهر شده اند این مناره ها و همچنین طاقهای مجاور در شمار بناهای آغاز عصر سلجوقی در می‌آیند .

سپس دهلیزهای جانبی، و احتمالاً "درجای دیگر این مسجد یک گچکاری تزئینی (قرن هشتم هجری) بعمل آمد و همچنین با یک مناره بسیار زیبا و جاگیر از نوع مناره‌های قرن نهم هجری (قرن پانزدهم میلادی) غنی گشت. تزئین مناره (ستاره‌هایی از کاشیهای تراشیده برنگهای آبی روشن و لاجوردی، زرد و سیاه) آرنابه کارهای انجام یافته در حکومت اوزن حسن آق قویونلو ارتباط میدهد (در قرن نهم هجری) . کوشش و حمیت صفویه در اینجا نیز مانند جاهای دیگر ایران با کارهای پر دامنه‌ای مشخص شد . یک مسجد زیرزمینی مستقل ترکیب یافته از یک تویزه پوشیده شده با چندین طاق، تجمع مومنین را برای استماع موعظه‌های مذهبی که در آن موقع مطلوب بود اجازه میداد . در مسجد قدیم گنبد مقصوره تجدید بنا یافت و دو حیاط کوچک جانبی به دوشبستان متصل بهم تبدیل گردید که بهمان ترتیب پوشیده شده است .

با این کار و برای اینکه به این دو محل جدید وضعی شریف دهند دو دیوار آنها یا محراب های بزرگی که بعرض طاقهای رابط با شبستان مرکزی طرح ریزی شده بود تعبیه کردند . این عمل باعث شد که دیوار چهارمی بوجود آید که مشترک با دهلیز باشد تا جایی برای طاقهای متشابهی باز گردد بالاخره این تغییرات منجر باین گردید که طاقهای اولیه دهلیز خراب گشته و طرح تجدید بنای آنها از بن ریخته شود .

بطور خلاصه این اثر تاریخی مراحل ذیل را ارائه میدهد:
الف) ترکیب چهارطاق اولیه مسجد در حالیکه دو حیاط کوچک بحال خود باقی مانده بود .

باعتماد ما عملیات در اواخر قرن سون هجری (قرن نهم میلادی) اتفاق افتاد .

ب) تزئینات (مناره و شاید پوشش پس کوچه) در حدود قرن پنجم هجری

ج) تزئینات در قرن هشتم (گچ‌بری و اندود)

د) برپا کردن یک مناره جدید در قرن نهم هجری
ه) مسجد زیرزمینی و شبستانهای جدید (قرن دهم و یازدهم هجری = قرن پانزدهم میلادی)
و بالاخره در سال ۱۹۶۳ مرمت طاقهای صفوی و تجدید اندودها و نصب یک کلاه فرنگی آهنی رنگ شده برفراز ورودی اطلاعات بارزی که این مسجد از خود ما میدهد در خالص بودن طرح آن و در تقلید درستی که از طرز ساخت زمانهای پیشین بعمل آمده نهفته است در صورتیکه این تغییرات در مساجد کوهپایه وقعی در دو مرحله انجام گرفته است . لذا باید معتقد شد که این بنا کاملاً " برای مومنین این ناحیه شایسته است . بررسیهای دیگر در نواحی محاور شاید به کشفیاتی مشابه رهبری کند .

و نیز در این سر مسجد اخیراً " وجود دو حیاط خلوت کوچک که در طرفین مقصوره قرار گرفته در مد نظر می‌آوریم . بحقیقت نزدیک است که این فضاهای باز گذشته از وظیفه‌شان که تهویه و روشنایی بخشیدن به امکانه محاور بوده است برای مومنین لذت بخش تر بوده است . سایه خنکی که از برکت دیوارهای بلند این حیاط حاصل میشده هنگام استماع تفسیرات قرآنی پایان ناپذیر بسیار مطلوب بوده است .

تا اواسط عصر سلجوقی گنبدخانه‌ها (مقصوره‌ها) معمولاً " بصورت بنائی منفرد در منتهی‌الیه حیاط‌های وسیعی ساخته میشد . بزودی این بناها هسته مساجد تکامل یافته را تشکیل دادند . هر چند در شهرهای دیگر کشور مقصوره‌های چهارطاق مانند در زمان سلجوقیان (۲۸) ساخته شده بود مانند این سه بنا با یک ترکیب مهم تکمیل نشدند . مثلاً " دیوار حیاط مسجد جامع بروجرد فقط یک دهلیز ساده داشت . فقط در دوره صفویه که مذهب شیعه مذهب رسمی و ملی گردید فضاهای آزاد اطراف گنبدخانه که حاوی محراب بود منطماً " پوشیده گردید . باستانهای مسجد کوهپایه که ساختمان حیاط‌های کوچک در آغاز عصر سلجوقی

انجام گرفت محققاً " معتقدیم که در مساجد قهپی و ورکند مانند مساجد متعدد شهرهای دیگر تغییر شکل حیاطها بصورت شبستان پوشیده در قرن شانزدهم میلادی انجام گرفته است .

● بناهای از نوع A, B, C

ترکیب ساسانی چهارطاقی که با دهلیز کوچکی احاطه شده (شکل A-1) (۲۹) تا آنجا که اطلاع داریم مساجد مهمی را بوجود نیاورده است . معذالک این سرمشق با ضخیم کردن و تقسیم کردن دهلیز اطراف در معماری زردشتی بعد از اسلام و در آثار زیبای آسیای صغیر و در کلاه فرنگیهای غیرنظامی ایرانی و چهارطاقهای مقبره‌ای بایستی بعمر طولانی خود ادامه داده باشد .

از این نوع است قسمتی از یک بنای نظامی دوره مظفری نزدیک قریه قدیمی شاپورآباد که بصورت یک بنای بسیار متوازن خودنمایی میکند (شکل ۱۲) . به این ویرانه که تقریباً " دست نخورده باقی مانده بدون دلیلی عنوان مسجد داده اند . این بنا بدون اینکه رو به قبله باشد و یا محراب داشته باشد چهار ورودی دارد که یکی از آنها دارای یک دهلیز هشتی و پله‌ایست که بغلام گردشهای فوقانی می‌پیوندد . این بنا یا کلاه فرنگی پذیرائی و یا مقبره‌ای یکی از اشراف مهم بوده است . این نسبت اخیر بنظر مرجح میرسد چه گنج‌بابان از اینکه در زیر تالار مرکزی آن کندو کوب کنند تردیدی بخود راه نداده اند (۳۰) .

یک مقبره بی نام و نشان در کنار ساحل جنوبی نزدیک اذربایجان که احتمالاً " صفوی است (شکل ۱۳) همانطور که در آن ناحیه نمونه‌هایی چند از آن دیده میشود نمونه خوبی از چهار طاقهای مقبره‌ای ارائه میدهد .

در مقابل ، در ورکند یکی از پنج روستائی که در دره‌ای دلگشا در صد کیلومتری شمال اصفهان (۳۱) واقع است . مسجد جمعه ایست که گنبد آن از میان رفته و در مقابل یک تالاری قرار گرفته که بتازگی ساخته شده است . این بنا نشان میدهد که چهار طاق که محاط در دهلیزهایی است در قرن هشتم هجری

سنگینی بومی خود را از دست داد میتوان قبول کرد که این سبکی جدید بوده که باعث از میان رفتن پوشش آن شده است . این بنای کوچک که دارای تناسبی عالی است پایان یک تکامل بدون بازمانده محلی دیگری را نشان میدهد (شکل ۱۴) .

● مساجد از نوع A, B (ایوان - چهار طاق) (شکل ۱)

سرمشکهای ساسانی آنها خوب شناخته شده است . برای پیدا کردن نمونه خالص آن باید به جایی دورتر در آذربایجان رفت و مسجد جمعه اردبیل را مشاهده کرد در این ناحیه اصفهان نمونه‌های دیگری از این نوع نمی‌شناسیم . در صورتیکه بعدها احتمالاً " این ترکیب ابتدائی به تشکیل مساجد کوچک و بزرگ در سراسر کشور یاری کرد .

● مساجد ایوانی (A, e)

این نوع ساب رفته و خشن (۳۲) که اصل اولیه اش در تاریکی زمان گم میشود از دیرباز یک استخوان بندی کثیر الاستعمالی است که بیشتر اوقات بر روی فلات مخصوصاً " در خراسان و در حاشیه جنوبی کویر مرکزی بآن برمبخوریم . این سرمشق باید در تمام طول تاریخ معماری ایران تشکیل عنصر یا عناصر محوری تقریباً " تمام ساختمانهای نظامی و مذهبی داده باشد .

نخستین مسجدی که تاکنون از این نوع در مغرب کشور شناخته شده مسجد جمعه نیریز است (۳۴۰ هجری ۵۲-۹۵۱ میلادی) (۳۳) . همچنین مسجد بسیار ساده مصر یزدی که بر روی سکونی مشرف بر این دهکده زردشتی نشین قرار گرفته است . اگر بتوان سخن اهالی را باور کرد و این جای برافراشته میتوان مکان معبدی قدیمی باشد .

این مسجد که میتوان آنرا از روی طرز طاق زنی آن بدوره مظفری منسوب کرد (قرن هشتم هجری ، قرن چهاردهم میلادی) از یک حیاط بسته که در حاشیه یکی از اضلاع آن یک رواق که در این اواخر بازسازی شده وجود دارد .

در نواحی جنوب اصفهان ایوان بزرگ پیربکران دهانه طاق

وسیع خود را بر فراز صفت‌های قدیم لنجان نیم باز کرده است : این بنا چیزی جز یک مسجد اتفاقی نیست . نقش مسجد به این بنا پس از مرگ پیریگران (میلاد ۱۳۰۳ = ۷۰۳ هجری) تعلق گرفت . برای تعلیم مواعظ او و مرایدانش این پناهگاه بزرگ را بنا کردند (۳۴) . تعییری که در این بنا بعمل آمد عبارت بود از مسدود کردن قسمتی از دهانه ایوان بادبویاری مزین به محرابی بزرگ گچ‌بری که شاهکاری است مورخ به ۷۱۲ هجری (۱۳۱۲ میلادی) . این دو نمونه متاخر می‌رساند که در این استان یک فرمول قدیمی پیوسته مورد توجه و عنایت بوده است .

● مساجد دهلیزدار یا رواق دار (نوع A, d)

دهلیز یا رواقهایی که نمونه‌های کهن آن در ایوان کرخه فراشید (خرمایک) کوه خواجه شناخته شد بطور ساده در دو مسجد محمدیه یافت میشود که توصیف آنها توسط آندره گدار بعمل آمده و تاریخ آنها را حوالی قرون چهارم و پنجم هجری قرار داده است (۳۵) . این دو بنای کوچک به ناحیه ماکه در آن نمونه‌های منفرد مشابهی را نمی‌بینیم نزدیک است . این جای خالی در استخوان‌بندی مساجد جمعه کوهپایه وقهی ظاهر میشود . همچنین می‌توان آنرا تقریباً " بدون تغییر مشاهده نمود که در یک مسجد که از روی عدم مهارت در اواخر دوره معول نه چندان دور از اصفهان بنا گردیده بکار رفته است " D " اشکزند (شکل ۱۵) (لوحه ۴ A) . در انتهای این قریه که سابقاً " از لحاظ آثار قدیمه غنی بوده است یک مسجد بی نام و نشانی دیده میشود که ویران است و این قسمتی از یک مجموعه (حمام آن بتازگی خراب شده و مسجد دیگری که سردر آن باقی مانده است) (۳۶) . از ایوان وسیعی که بر روی حیاطی باز میشود داخل این بنای کوچک می‌گردند . حواشی حیاط راهروهایی با دیوارهای کنوسازی شده قرار گرفته که بایکدیگر ارتباط دارند . در ته این حیاط مقصوره قرار دارد که قسمتی از آن کمی پس از اتمام ساختمان از روی بی احتیاطی ساخته شده است . این مقصوره

چیزی نیست جز قسمت مرکزی یک رواقی شبیه به رواق محمدیه که وسیعتر و بزرگتر ساخته شده .

محراب گچی که با اشکال نقاشی شده به سه رنگ زینت یافته تاریخ آن به حدود قرن چهاردهم میلادی میرسد مساجد رواق دار (Les mosquées galeries) مجهز به گنبد مرکزی که طرز عمل کرد پوشش آنها اکنون در ایوان کرخه آشکار است (تعدادی قوسهای باربر که فاصله بفاصله قرار گرفته و طاقهای کوچکی که از عرض رده شده حمل می‌کنند) می‌بایستی در عهد معول زیاد مورد عنایت بوده باشد .

همچنین جای تعجب نیست که پس از مشاهده شبستانهای بزرگ مسجد جمعه بزد (در ربع سوم قرن چهاردهم میلادی) دوباره در قریه سابق الذکر آخذ طاق منفرد مسجد سعادت را باز یابند (شکل ۱۶) .

این تالار وسیع با یک دهلیزی که دارای طبقه دومی مرکب از غلام گردشهاست در سمت شمال مضاعف شده است این گرد شگاه از بام یک شبستان زیرزمینی که بنظر ماهمیشه وجود داشته استفاده کرده است (دسته B.g) .

بنابراین این بنا از دو عنصر اولیه که در این نوع اقلیم سخت مطلوب است ترکیب یافته است .

محراب اصلی بطور ساده در مسجد بالائی در یکی از طاقچه‌های جانبی بین جرزهای باربر قرار گرفته است . دو مناره با ارتفاع متوسط در طرف شرق در منتهی‌الیه شبستان احداث شده بدین طریق ساختمان مسجد را کامل کرده است . پس میتوان نظر داد که این مسجد سعادت ختم تکامل این نوع دهلیزی که یک بنای کامل را تشکیل میدهد نشان میدهد .

این بنا بعنوان یک مسجد منفرد به حداکثر ابعاد خود رسیده است . بعدها بدون شک بخاطر دلایل عملی که جای نامتناسب محراب باشد ، این نمونه بنا دیگر مورد توجه واقع نشد .



زیرنویس‌ها:

(۱) این مناطق بطور عمده حاشیه‌های شمالی و جنوبی کویرهای مرکزی است. در این نواحی پهناور که سابقاً "در زیر کشت مستور بود و از یکسو بین سمنان و مشهد و از سوی دیگر بین کاشان و یزد و کرمان واقع گردیده بود، جمعیتی انبوه زندگی می‌کرد.

(۲) هفت صد سال بعد حمدالله مستوفی جغرافی‌دان در نزهة القلوب درباره مزارع بارور و پرشوت این منطقه نظر خود را بدین سان ابراز داشته است. بدین مضمون که این ناحیه چون باغی واحد است که بوستانهای و روستاهای بهم پیوسته یکی پس از دیگری قرار گرفته است. معذالک کرسول [Creswell] (در کتابش موسوم به معماری اولیه اسلام) ضمن شرح روستاهای مدور بیان می‌کند که طرح آنها از نمونه‌های کهن‌تری (مانند دارابگرد، فیروآباد و تخت سلیمان و غیره) گرفته شده است و در میان این نمونه‌های قدیمی ذکری از اصفهان بمیان می‌آورد که طبق گفته این رسته این شهر نیز مدور بوده که قطر آن ۶۰۰۰ متر یا برابر ۳۰۰۰ متر بوده است. میدانم که محل فعلی شهر اصفهان را در سابق چندین تریه مشخص اشغال کرده بود بطوریکه هنگام احداث ساختمانهای جدید در عمق دو متری گاهی به بقایای دیوارهای قدیمی برمیکوریم (نویسنده شخصاً در دو مورد به چنین بقایایی برخورد کرد). با وجود بر این اگر در بررسیهای فعلی نتوان جای آبادیهای مدور را مشخص کرد این حقیقت آشکار است که آتشگاه اصفهان که در قدیم یکی از مساکن بزرگ ساسانی را تشکیل میداده سابقاً "با دو حصار بیضی شکل محصور بوده است که یکی از آنها مجهر به برجهایی است.

(۳) هنگام ورود اعراب بایران دستگاه حکومت ساسانی در حال تلاشی بود. از سال ۶۳۲ تا ۶۴۲ میلادی از یازده پادشاه و یا مدعی سلطنت نام برده‌اند. سپاه سنگین اسلحه‌ای که طبق یک آرایش نظامی سنتی تشکیل یافته بود در برابر تهور و بی‌باکی مردمی بیابانگرد پراکنده گردید. پایداری دلیرانه مردم ولایات نتوانست فقدان درفش کاویانی که مظهر حکومت بود و در سال ۶۳۶ میلادی بدست دشمن افتاده بود جبران کند. اعتماد مردم از این امر دچار آسیب گشت. مذهب زردشت آئین رسمی دولت که بر اثر اختلافات عقیدتی که مردم بدانها توجهی نمی‌کردند متزلزل گردیده دچار بحران شده بود. تجدید نظری که برای وحدانیت اورمزد بعمل آمده بود با موفقیت قرین نشده عامه مردم و

طبقات پائین جامعه دریافتند که آداب و رسوم بیشمار مذهبی زیان بار زندگی روزمره آنان را فلج کرده است . پس از شکست نیاوند یزدگرد در ناحیه اصفهان اقامت گزیده بود پس از آنکه در سال ۶۴۴ اعراب او را از آنجا بیرون راندند وی بشهر مقدس استخر پناهنده شد . از آنجا عده‌ای از بزرگان و اشراف دربار را به شوش فرستاد . آنان در شوش تسلیم شده و به دین اسلام گردن نهادند . این نو مسلمانان که در میان آنان عده‌ای از روحانیون زردشتی بودند سرمشقی شد برای پذیرفتن آئین جدید که وحدانیت خدا را ترویج میکرد و مسائل زندگی را آسان ساخته بود و به خصائل اخلاقی قدیم سسار نزدیک و برای کسانی که بدان تشرف می یافتند معافیت از جزیه‌ای که غیر مومنین باید بپردازند در برداشت . علاوه بر زردشتیان پیروان مذاهب دیگر مانند مسیحیان و یهودیان از این روش پیروی کردند .

(۴) تغییرات و تنوع اقلیمی کوچک که در معرب زمین خاطرات پا سرحائی از خود بجای نگذاشته بر روی فلات ایران اثرات بازرزی دارد . وضع بسیار خوب اوضاع اقلیمی قرون نهم و دهم میلادی باعث توسعه بسیار کشاورزی و احداث روستاها شد ؛ از پیروست که در دامنه‌های خشک کوه چوم نزدیک اصفهان سانهائی از کرت های مزروع قدیمی و پایین تر از آنها توده‌های گلی که مساکنی را مجسم میسازد ملاحظه میشود .

(۵) رجوع شود به " مساجد قدیم ایران " نوشته الف . گدار در Arts Asiatique جلد سوم ۱۹۵۶ صفحه ۴۸ . رسالات مشروح در بناهای مذکور در این بررسی در کتاب " راه های قدیمی و بناهای کنار راه ناحیه اصفهان " نوشته م . سیرو آمده است . همچنین رجوع شود به " کوه پایه مسجد جمعه و چند بنای قصه و حوالی آن " نوشته م . سرو در Annales Islamiques قاهره ۱۹۶۶

(۶) در اصفهان از سال ۱۹۵۸ تا سال ۱۹۶۳ پنج سال متوالی هیچ نوع بارشی نیارید .

(۷) مساجد چیزی جز محوطه‌های محصور مانند خانه پیغمبر در مدینه و خانه بصره (۱۴ هجری - ۶۳۵ میلادی) نبود . مسجد کوفه سطحه آزادی بود که اطراف آنرا خندقی کنده بودند و در سمت جنوبش پناهگاهی سبک روی چند ستون موقت تعبیه شده بود . در بیت المقدس مساجد قبه الصخره و الاقصا ، یکی (۶۹۱ میلادی) تقلیدی از یک بنای مسیحی و دیگری (۶۹۰ میلادی) یک بازلیک بیزانسی بود که مورد استفاده فرار گرفته بود . مسجد امویان در دمشق (۷۱۵ - ۷۰۵ میلادی) بر جای معبدی برپا نده بود که آن معبد را قبل از اسلام جانشین بازلیکی کرده بودند . در زمان عباسیان بود که طرح حقیقی مساجد اسلامی ریخته شد . مسجد جمعه سامره (حدود ۸۳۸ میلادی) و مسجد ابودلف نمونه بارز صحنهای بزرگ محاط به رواقها و شبستهای ستون دار را ارائه میدهد مسجدی را که گیرشمن در شوش کشف کرد (Revue Archeologique جلد ۱۲ - ۴۸ - ۱۹۴۷) و آنرا مقدم بر اواخر قرن اول هجری میداند باید از این نوع محسوب داشت . بنابراین این بنای نسبته مختصر که باندازه یک قرن

مقدم بر مسجد سامره است بفاصله ۵ تا ۶ دهه بعد از فتح ایران بنا گردیده . با قبول اینکه این نوع طرح بنا در حاشیه ایران در هر جا مورد اقتباس قرار گرفته بود در این فاصله زمان بر روی فلات ایران ساختمانهایی از انواع دیگر احداث شد که در انجام مراسم دینی بکار میرفت . این ابنیه ، این مورد استعمال را در دوره مساعد خلافت عباسیان که مساجد بزرگ احداث میشد و همچنین بعد از آن دوره تا بحال حفظ کردند .

(۸) رجوع شود به جزوات اول این کتاب صفحه ۲۳ شماره ۴

(۹) مقایسه شود به مساجد قدیمه نوشته گدار و معماری ایرانی در عصر اسلامی

(۱۰) نخستین چهار طاق شناخته شده ساسانی که تبدیل به مسجد شده است چهار طاق یزدخواست میباشد . مقایسه شود با مسجد جمعه یزدخواست نوشته م . سیرو مساجد جمعه کوهپایه و قهپی دو نمود دیگر از این چهار طاقهاست . نوع $A \times B$ که از یک چهار طاق محاط در رواق است در چهار طاقهای کنار سیاه و جنگی جلوه گر است . مقایسه شود با " کشفیات جدیدی از آثار ساسانی در فارس " نوشته لوئی واندنبرگ. مقایسه شود با باستانشناسی تاریخی ایران نوشته هرتسفلد .

(۱۱) در فراشبند خرابه های نقاره خانه قرار دارد که جلو آن ایوانی واقع شده (مقایسه شود به کتاب واندنبرگ مذکور در فوق) . همین ترکیب در قلعه دختر فیروز آباد آشکار است که در آن ایوانی به برج عظیم کاخ فوقانی منضم شده است : آنطور که تصور میشود ایوان قسمت مجزائی از این بنا را تشکیل نمیداده . مسجد جمعه اردبیل در وضع اولیه اش از نمونه های خالص این نوع است (مقایسه شود با " مسجد جمعه اردبیل " نوشته ماکسیم سیرو . بعداً " شبستانی جانبی به اساس این مسجد افزوده شد .

(۱۲) فرمول ایوان که طاقی آهنگی است که یک طرف آن مسدود شده است احتمالاً " قدیمترین نوع طاق ایرانی است . کاخ کسرا در طیسفون بارزترین نمونه آنست . مسجد جمعه نیریز (۳۴۰ هـ . ۹۵۱ میلادی) و نمونه های تازه تر بسیاری از اما مزاده ها و مساکن عمومی از همین نوع میباشد .

(۱۳) نخستین نمونه شناخته شده دهلیز کاخ ایوان کرخه بوده این طرز همچنین در آتشکده کرمایک فراشبند و سه دهلیز کاخ کوه خواجه نیز بکار رفته است . اخلاف این نوع عنصر معماری در دو مسجد محمدیه و در ترکیب با چهار طاق در کوهپایه و قهپی در مرحله دوم آنها ظاهر میشود .

(۱۴) این دالانهای بهم چسبیده که بهم ارتباط دارند در قصور آشوری خرساباد و بابل بچشم میخورد این نوع تالار در کاروانسرای ساسانی کنار سیاه وجود دارد .

تاکنون در ایران هیچ نمونه تالارهای باستانی پوشیده با قبه های بسیار شناخته نشده (این نوع ساختمان مخصوصاً " در برابر چکه و تفوذ آب آسیب پذیر است) اما قصر عربی خارانی متعلق به دوران پیش از اسلام یک نمونه از آن میباشد : محققاً " بر روی فلات نمونه هایی از این نوع بنا یافت میشده

است . (رجوع شود به L architecture L Orient ترشته F. Benoit صفحه ۱۰۰)
(۱۵) مقایسه شود با قصر پارتی آشور در " L art de l iran " کاخ Nisa در
Archaeology in U.R.S.S. تألیف A.I. Monfait گیرشمن در بیشاپور فضای
چهارگوشی را از زیر خاک بیرون آورد که هر ضلع آن دارای شاه نشین بزرگی است و تمام بنا با دیوارهای
عظیمی محصور است . علی رغم ضخامت دیوارها تصور نمی‌کنیم که آنها حامل قبه‌ای بوده‌اند . این اعتقاد
را برای خود حفظ می‌کنیم که این فضای مکشوفه باقی مانده حیاط عمیقی بوده است از نوع حیاط‌های
چهارایوانی رومی شبیه آنچه که در رباط عمان است . در مدائن چندین مسکن ساسانی از زیر خاک بیرون
آمده است Reuthner نقشه قسمت بزرگی از یکی از آنها بدست داده است . در این طرح که شامل
اماکن پیچیده است ، یک حیاط با سه شاه نشین (که بایستی شاه نشین چهارمی نیز داشته باشد) ظاهراً
محورهای اصلی را تشکیل می‌دهد .

(۱۶) دوره هلنیکی به دوره‌ای اطلاق می‌شود که در فاصله مرگ اسکندر کبیر و ظهور امپراطوری روم قرار گرفته
است .

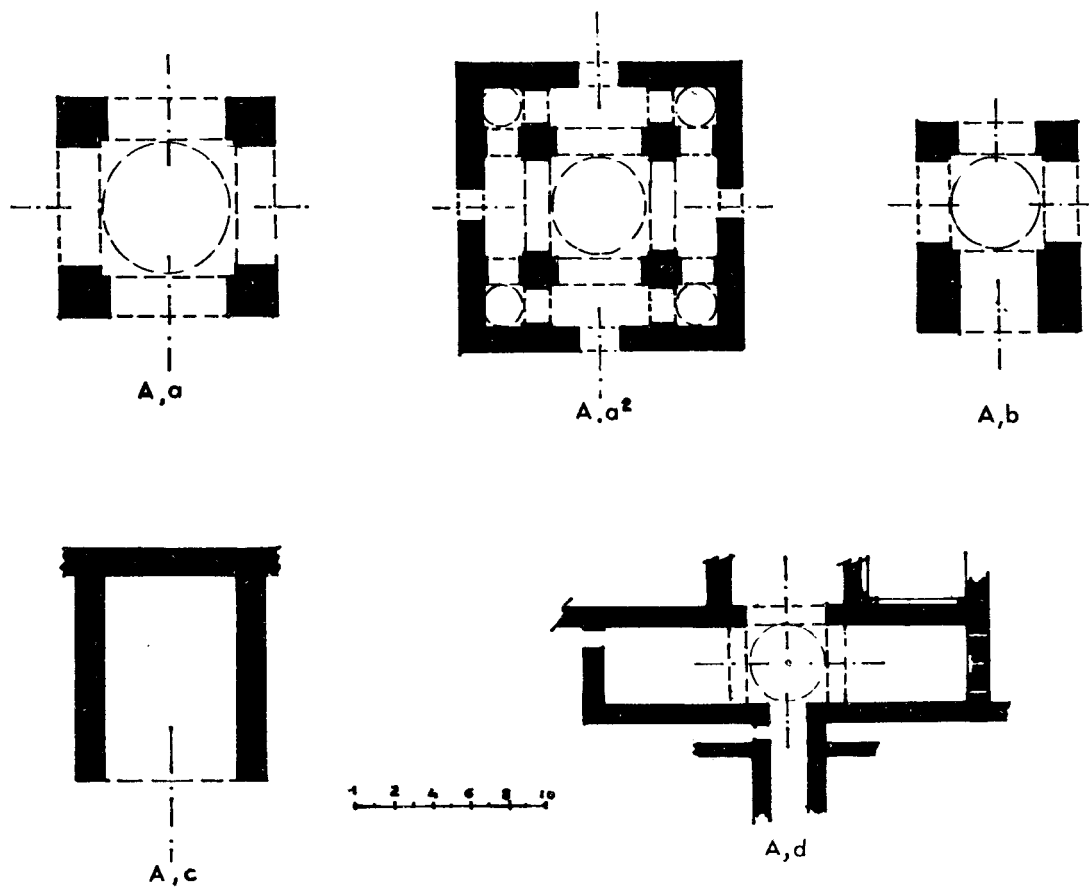
(۱۷) نمونه این بناها عبارت است از مسجد شوش (قرن هشتم میلادی) مسجد دامغان (قرن هشتم
میلادی) مسجد یزد (قرن هشتم تا اوائل قرن نهم میلادی) مساجد شوشتر و اردستان
(۱۸) جاده‌ای که یزد گرد سوم مورد تعقیب قرار گرفته و سوی استخر متواری گردید از کنار یزدخواست
میگذشت .

(۱۹) کوهپایه یک چهار راه مهم بوده که در آن راه‌های اصفهان به یزد و نائین به قمشه (شهرضا)
یکدیگر را قطع میکرده است . این ناحیه خشک و کویری بوسیله چند رشته قنات که آب مختصری دارد
مشروب میگردد . برای احتراز از گرمای شدید تابستان تقریباً "تمام ساختمانها دارای زیرزمینی میباشد .
(۲۰) محراب فعلی در سال ۷۱۰ هجری ایجاد گردیده است . این دیوار حجایی که احتمالاً " سوراخ شده
بود بخاطر احداث محراب جدید بازسازی شده است .

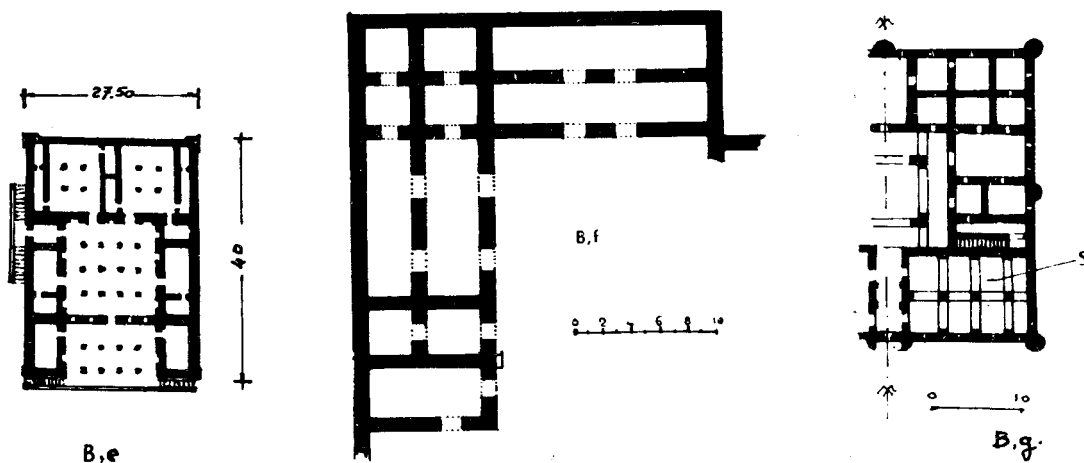
(۲۱) در زیر حیاط و عمیقاً " در زیرزمین تالاری صلیب شکل با سبکی بسیار کهن احداث شده است . در
زیر تپه مرکزی دژ ساسانی و در زیر حیاط حسینییه بزرگ نیز چنین تالارهایی وجود دارد . این بنای
اخیر طبق روایت محلی در جای یک معبد زردشتی ساخته شده که تا دوره صفویه دایر بوده سپس ویران
گردیده است . بنابراین میتوان تصور کرد که تالار زیرزمینی مسجد جمعه نیز معاصر چهار طاق بوده است .
(۲۲) برای مقایسه رجوع شود به کتاب راههای اصفهان

(۲۳) قبه بر لبه گودالی قرار گرفته که سابق بر این دریاچه بوده است . در همین حاست که زاینده رود
پیچهای خود را گسترده میسازد .

- ۲۴) پشته‌ای که از آوارها بوجود آمده احتمالاً " بازماندهٔ ساختمانهایی از همان عصر می باشد .
- ۲۵) زنان مومنه برای بقای نسل و اعقاب خود باین محل برای زیارت زیاد آمدوشد می‌کنند .
- ۲۶) مقایسه‌ی معماری در سراسر این ناحیه (در کوهپایه چند نمونه زیبای آن یافت میشود) پراکنده شده است . کلاه فرنگیهای تفریحی چند (باغ فین کاشان) سرزندگی این بناهای مقدماتی را نشان میدهد .
- ۲۷) آخذ توسط چهارده قنات کوچک مشروب میشود* . یک جاده مستقیم این روستا را به دهکده ورزنه متصل میسازد . ورزنه آخرین محل تجمع انسان پیش از رسیدن به مرداب گاوخوانی است که زاینده رود در این ناپدید میشود .
- ۲۸) همچنین است در گلپایگان ، قم ، اردستان ، مرند ، قزوین و غیره که در آنجاها ملحقات در زمانهای دیرتری بوجود آمد .
- ۲۹) معبد زردشتی شریف آباد نزدیک یزد که همیشه دایر است از این خانواده می باشد (نگاه کنید به آثار ایران ۱۹۳۸ صفحات ۸۳-۸۹ ، شکل ۵۰) . کلاه فرنگیهای فین و اشرف بازمانده همین نمونه است و همچنین کلیسای الحضر در بین النهرین علیا
- ۳۰) رجوع شود به راههای اصفهان ، صفحه ۲۲۸ ، شکل ۷۸
- ۳۱) جستجوی اصل اولیه ایوان بیهوده بنظر میرسد : شاید اصل اولیه به پیش از تاریخ میرسد و از پناهگاههای ناشی شده که از نی و جگنهای بهم پیچیده و اندوده یا گل در کنارهای رودخانه ها و مردابها برپا میگردداند . سرزمین ترکستان ، بین النهرین و سواحل دریاچه های خشک شده فلات ایران برای این کار مساعد بوده است و شاید از تونلها و شکفتهای که همیشه مورد استفادهٔ شبانان قرار میگرفته انهام یافته باشد .
- باین نوع شکفتهها و تونلها در همه کشور بر میخوریم که در بدنهٔ کوهها و تپه ها و بلندیهای رسوبی حفر شده است . این پناهگاه ها که اغلب به چند شعبه منشعب میشود غالباً " دارای مقطع خاکی (Cycloid) شکل است . در نواحی اصفهان آسمانه این نوع شکفتهها و تونلها اغلب دارای تحدب کمتری است و بر روی دیواره های مایل تکیه دارد . این شکل کاملاً " همانند شکل طاقنماهای چهار طاق بنا سر میشود که نقشه آنرا هاری در آثار ایران سال ۱۹۳۸ کشیده است و همچنین مانند دژ کوچک ساسانی رباط سلطان است بسیار متحمل است که این استخوان بندی ای معماری اخیر از این تونلهای اولیه کنده شده در دل توده های خاک الهام گرفته شده است .
- ۳۲) نیریز که از قصبات فارس است در جنوب ایران واقع شده نه غرب . مترجم
- ۳۳) رجوع شود به کتاب " هنر ایران "
- ۳۴) رجوع شود به " راه های اصفهان " مسجد D شکل ۸۵



شکل ۱ - نمونه های اصلی دسته A : a چهارطاق منفرد (b چهارطاقی که اطراف آن دهلیز است (جنگی فراشید)) ، c ایوان منفرد ، (d دهلیز یا گنبد مرکزی در کوه خواجه



شکل ۲ - نمونه های اصلی دسته B (e تجره داربوش اول در تخت جمشید ، (f ملحقات معبد کنار سیاه (اقتباس از واندن برگ) (g کاخ خوانی (اقتباس از ف . بنوا) در تالار سقف بر روی پایه ها .

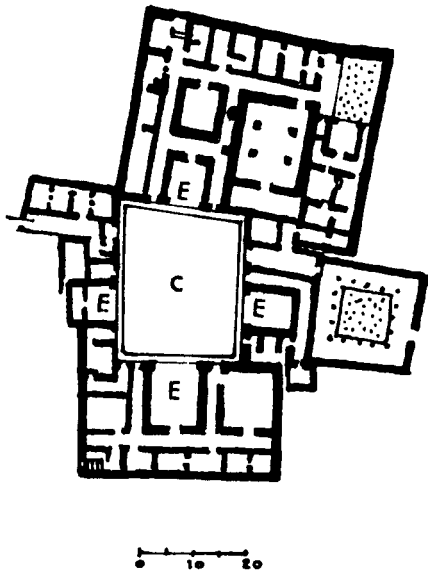


Fig. 3 h.

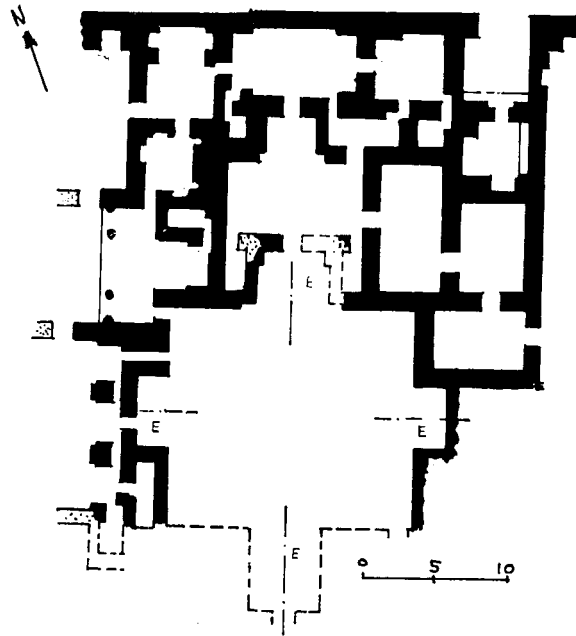


Fig. 3 i.

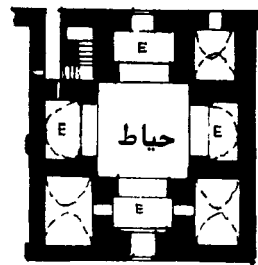
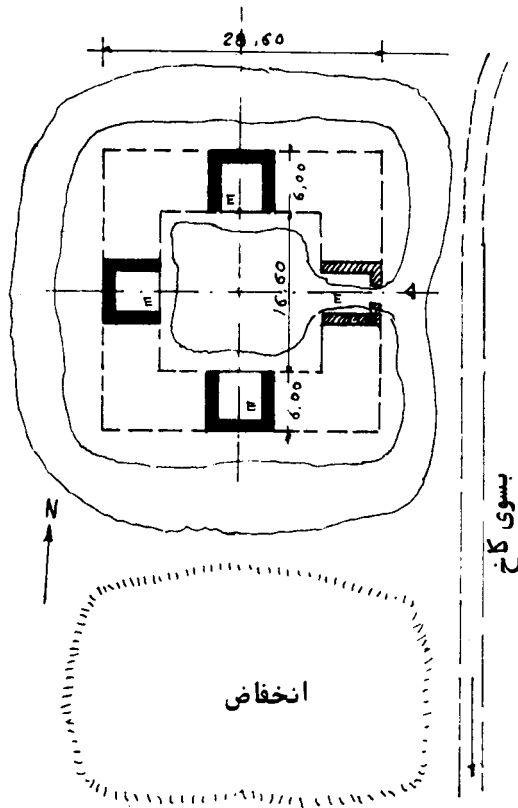


Fig. 3 k.

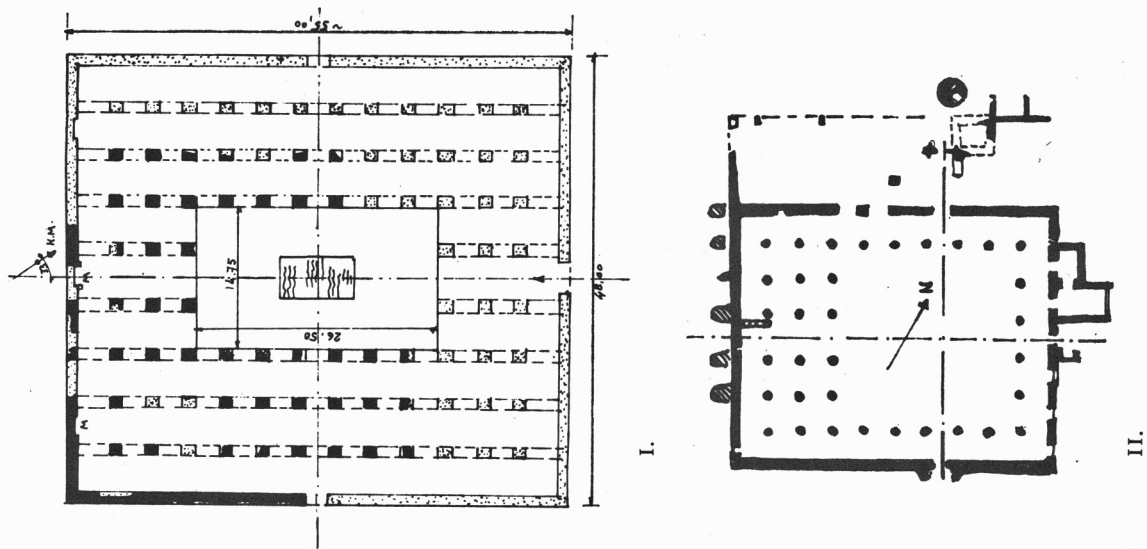
شکل ۳- نمونه‌های اصلی دسته C :

h) کاخ آشور

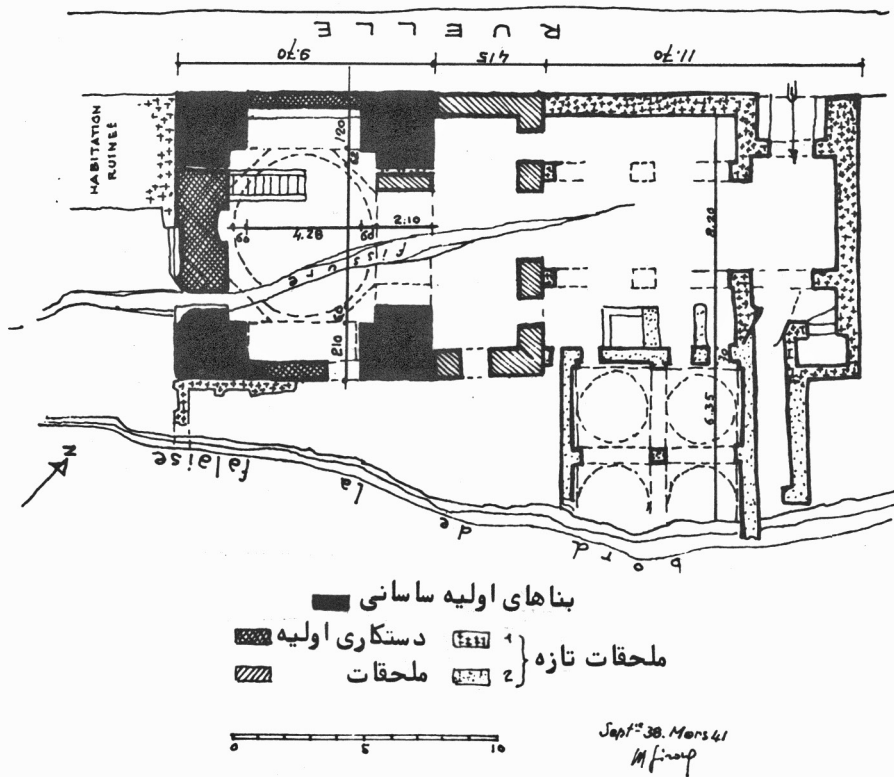
z) مسکن ساسانی در طیسفون

z) پست نگهبان در سروستان

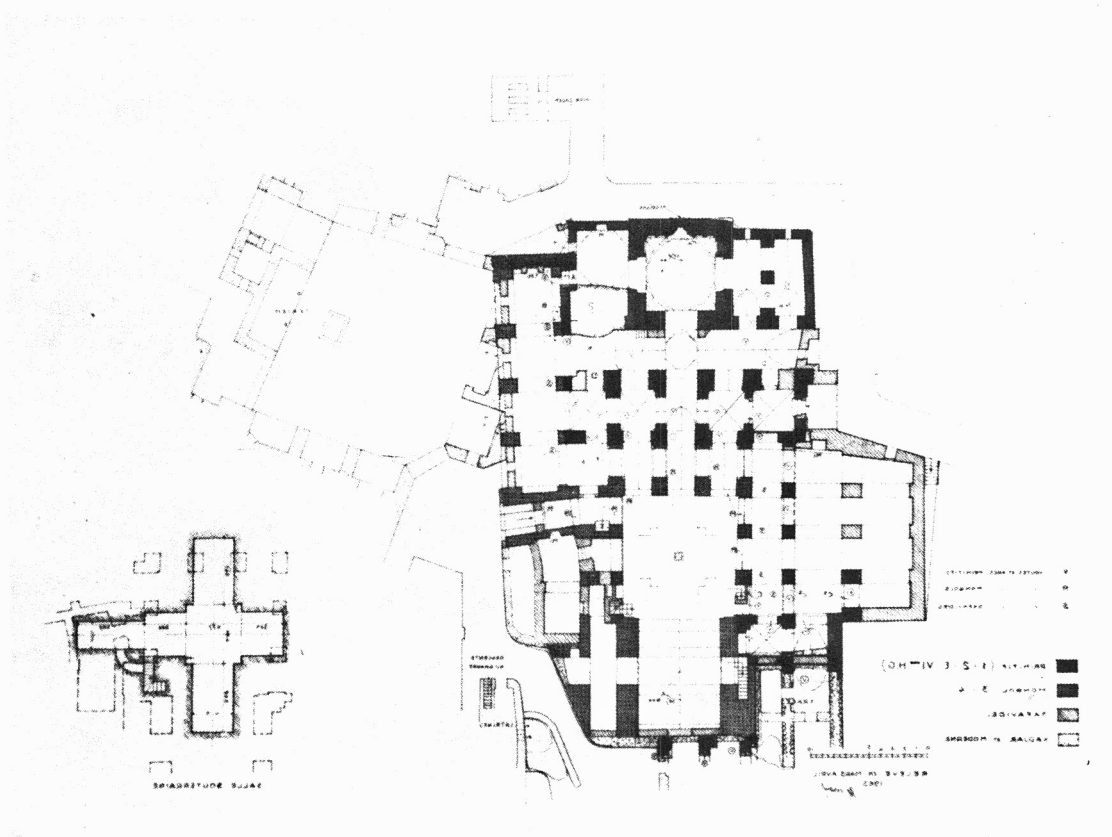
k) رباط امان



شکل ۴- مساجد ایرانی خانواده عربی
 مسجد جمعه یزد (قرن دوم و سوم هجری)
 تارخانه دامغان (قرن دوم هجری)

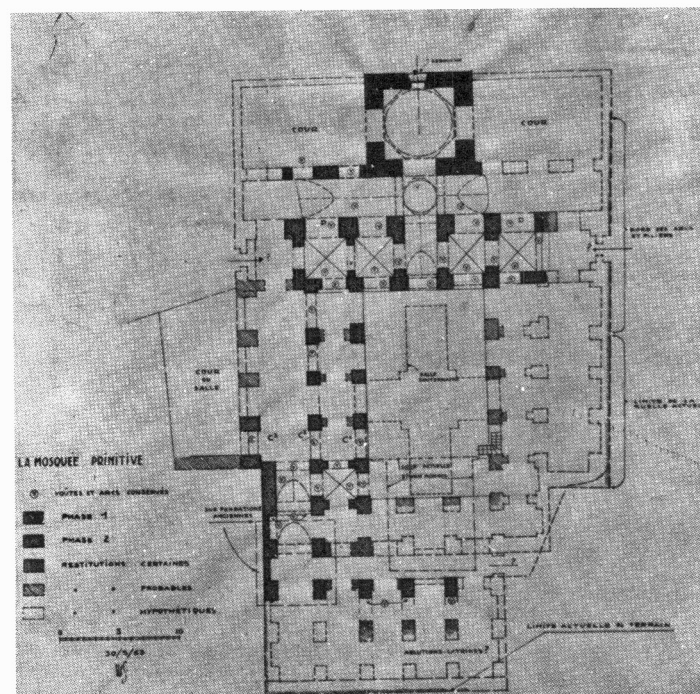


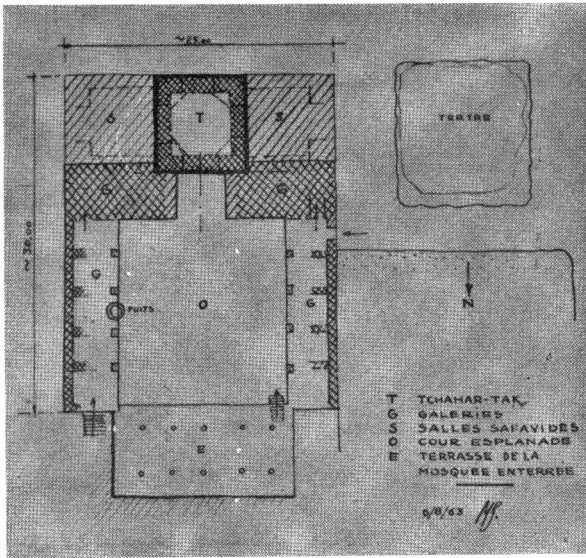
شکل ۵- مسجد جمعه یزد خواست وضع در سال ۱۹۴۱



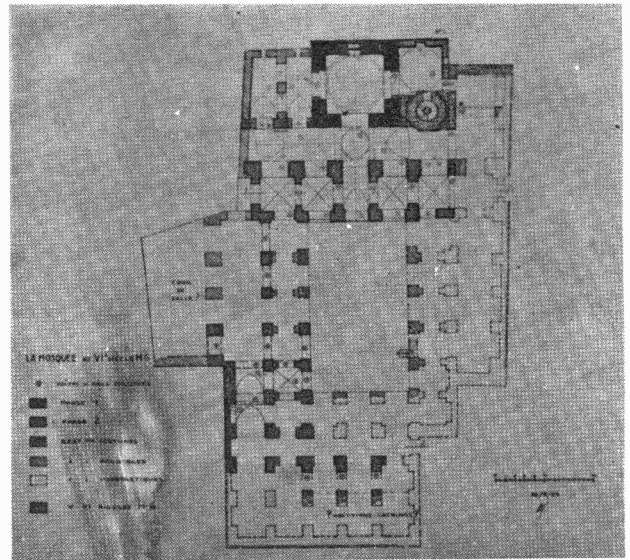
شکل ۶- مسجد جمعه کوهپایه - وضع در سال ۱۹۶۳

شکل ۷- مسجد جمعه کوهپایه - وضع اولیه - مرحله ۲



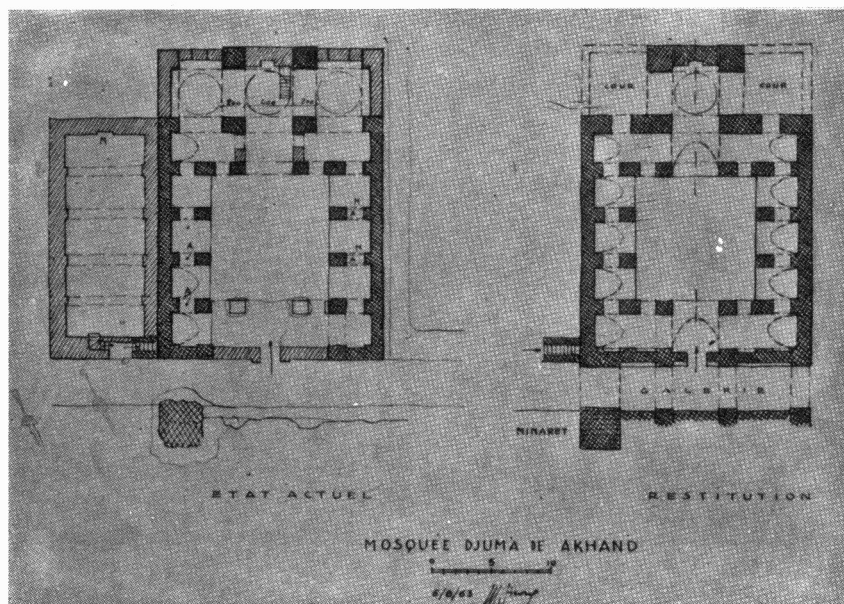


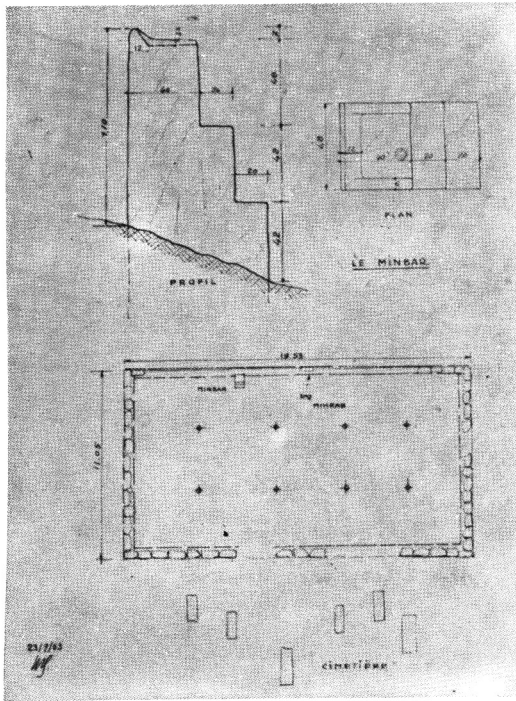
شکل ۹- طرح مسجد جمعه قمی



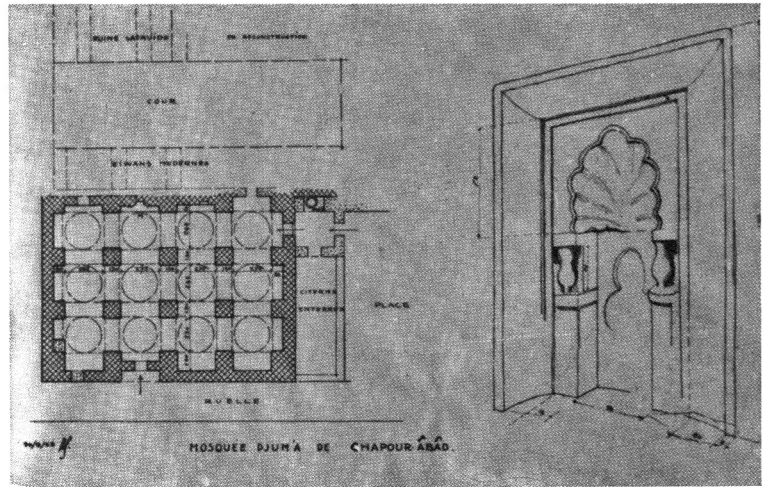
شکل ۸- مسجد جمعه کوهپایه - قرن ششم هجری

شکل ۱۰- مسجد جمعه اخند

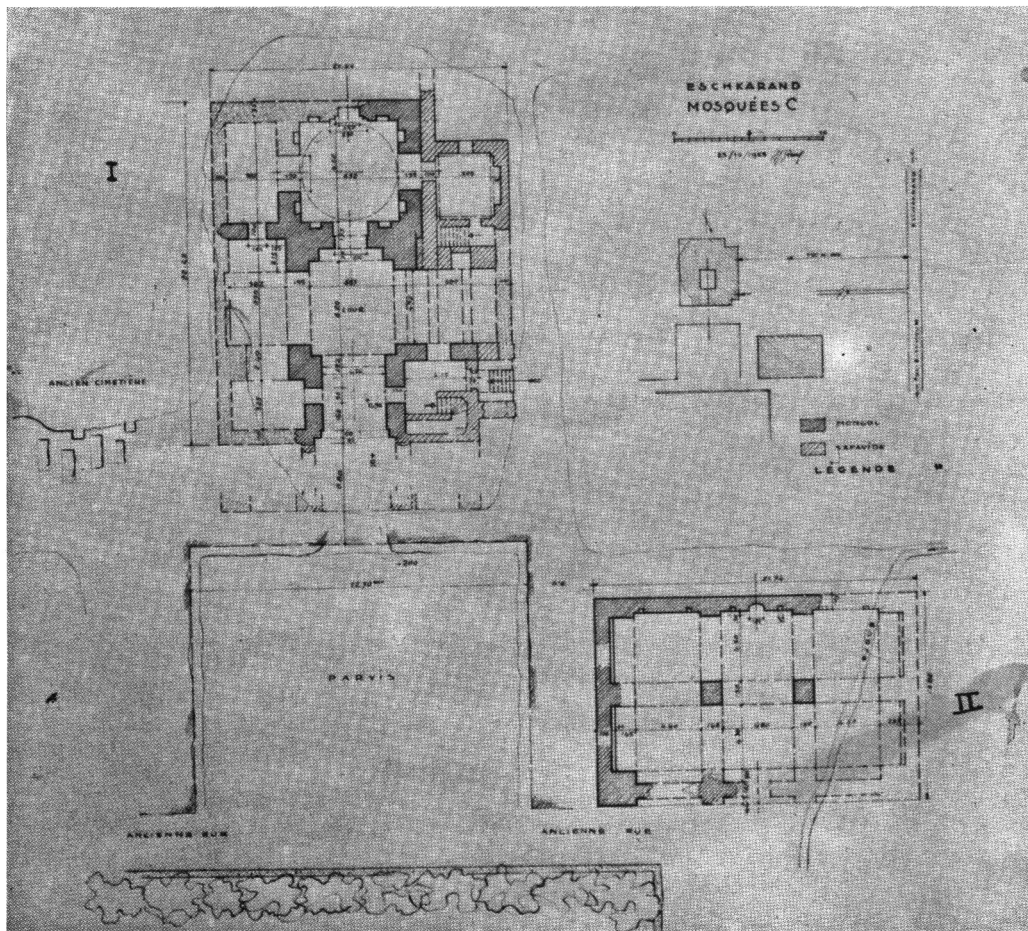




شکل ۱۸ - بقایای تیجن

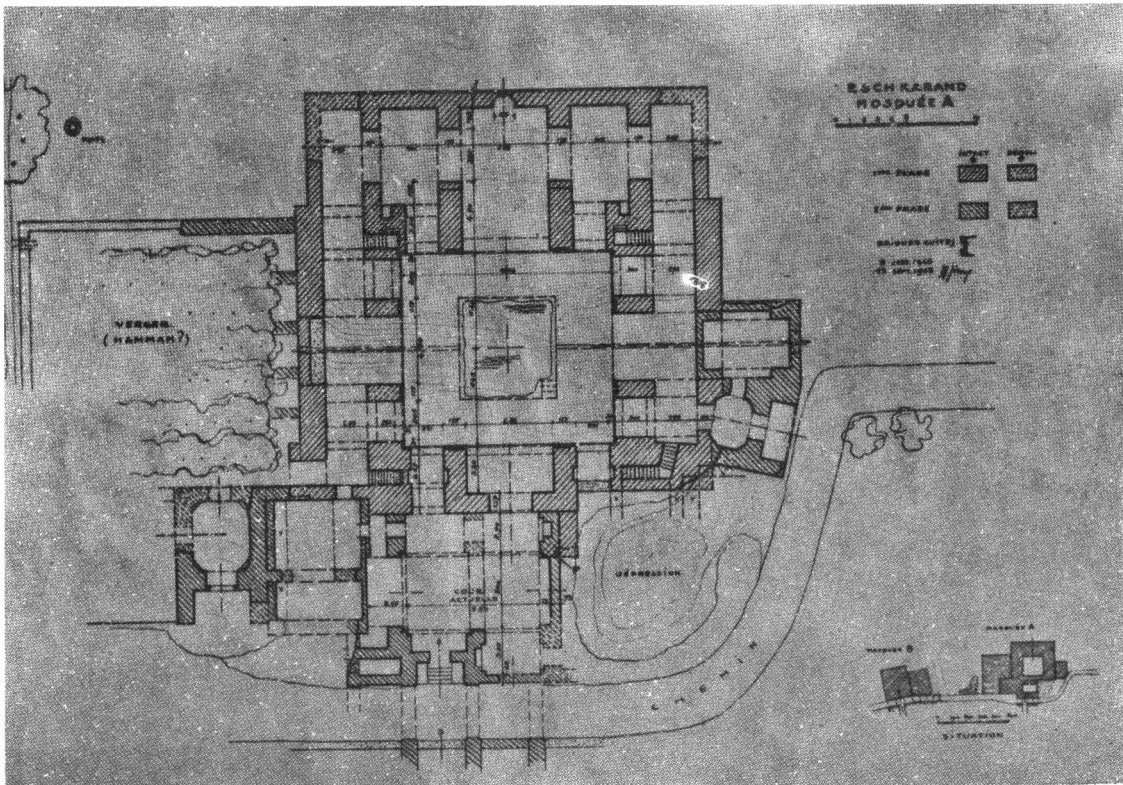
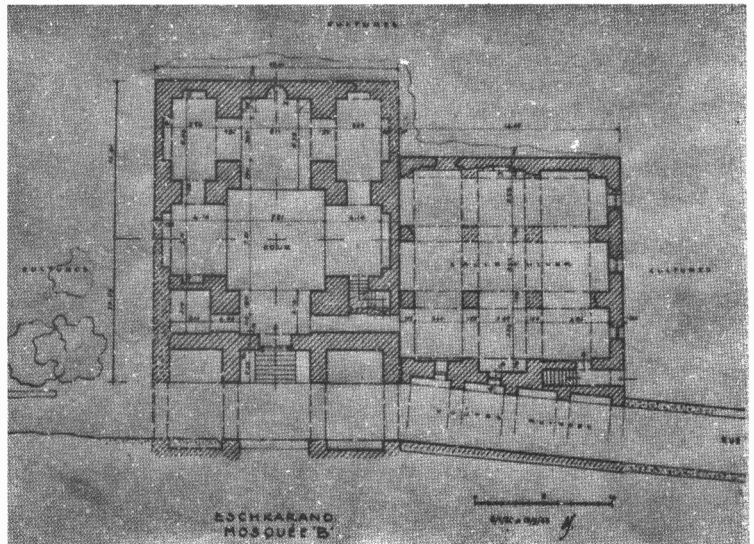


شکل ۱۷ - مسجد جمعه شاپور آباد

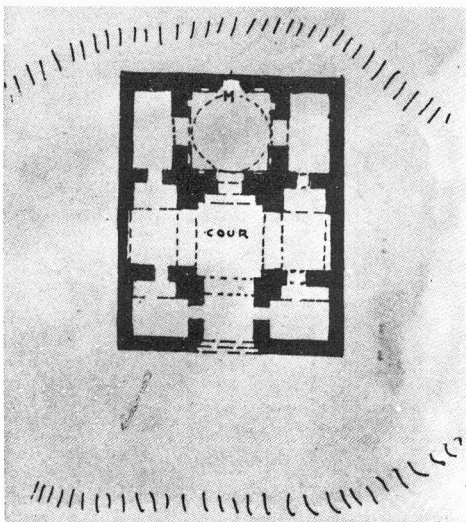


شکل ۱۹ - مسجد اشکرد "C" در شکل II ، مسجد قدیمی

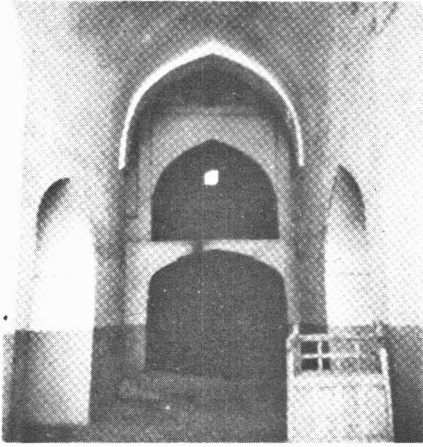
شکل ۲۰- مسجد اشکوند " B "



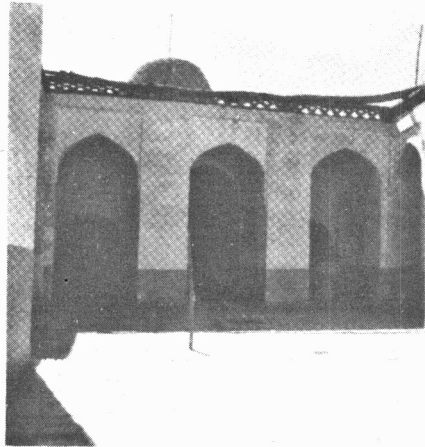
شکل ۲۱- مسجد اشکوند " A "



شکل ۲۲- مسجد اشکوند " C1 " باز سازی



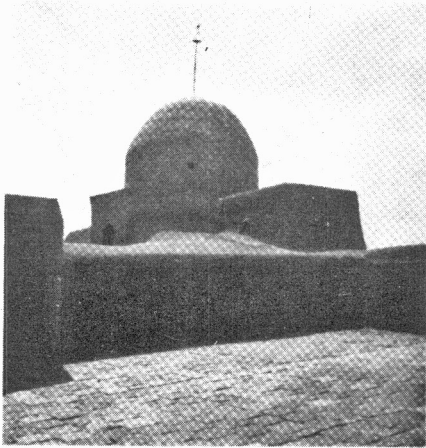
a



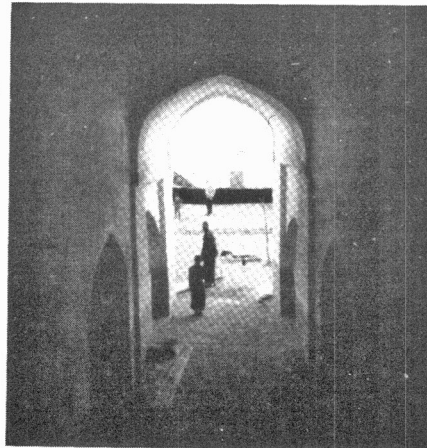
b



لوحة ۱ - مقصوره یزدخواست دید از جنوب

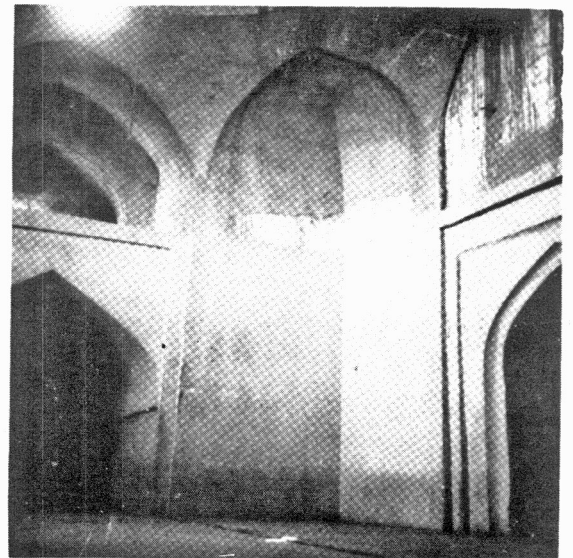


c



d

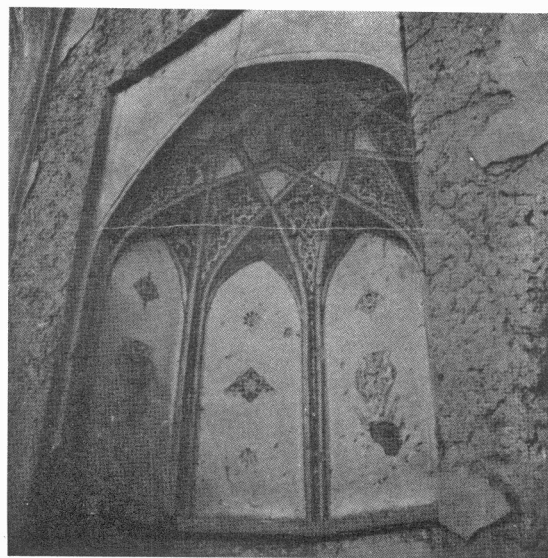
لوحة ۲- مسجد جمعه کوهپایه (ه نمای جنوب حیاط (b دهلیز محوری ، دید بسوی مقصوره (c دهلیز محوری دید بسوی حیاط . در نخستین نقشه استخوان بندی قدیمی (d گنبد خارجی (مغولی) . در سمت چپ در نخستین نقشه یک محراب



لوحة ۳- مسجد جمعه قهی - مقصوره ، در سمت راست ، محراب

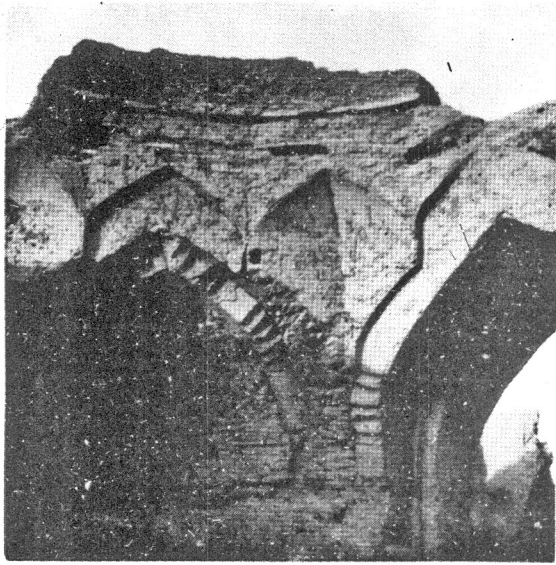


لوحة ۴ - (a مسجد " D " اشکوند ، ایوان ورودی ، (b منارسنگی تجن

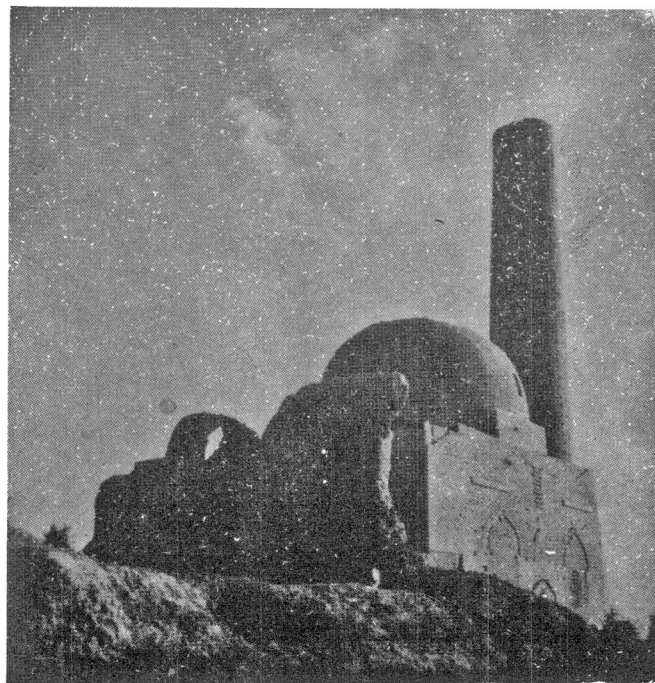


لوحة ۵- مساجد A و B اشکوند

(a ایوان مقصوره مسجد " A " (b محراب مسجد " B "



لوحة ۶ مسجد " c " در اشکوند) a دید جانبی غربی) b جزئیات قاعده گنبد مقصوره .



لوحة ۷ - مسجد بیزیون - در نقشه استخوان بندی اولیه ایلخانی